



نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌های هرات مسدود اند



مقام‌های محلی هرات می‌پذیرند که نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌های این ولایت فعالیت ندارند و تهدیدهای امنیتی سبب توقف فعالیت این ادارات در ولسوالی‌ها شده است. ریاست محکمه استیفاء هرات و ریاست سارنوالی این ولایت، مسدود بودن نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌ها را تأیید می‌کنند. افزون بر این، تهدیدهای امنیتی بر کارمندان ادارات عدلی و قضایی نگرانی مسوولان ریاست محکمه و سارنوالی هرات را به دنبال داشته است. از دید کارمندان نهادهای عدلی و قضایی، افزایش تهدیدهای امنیتی در ولسوالی‌ها و مرکز هرات، برای آنان قابل پذیرش نیست. اداره محلی هرات عدم فعالیت نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌ها را می‌پذیرد، اما پافشاری دارد که این مسأله نشان‌گر ضعف استرته‌محکمه و لوی‌سارنوالی نیست و مشکلات امنیتی عامل اصلی مسدود بودن ادارات عدلی و قضایی می‌باشد.



بازداشت ۸۰۰ دزد در ۴۵ روز:

کابل هم چنان جولانگاه دزدان است

وزارت امور داخله می‌گوید که کنترل شهر پنج میلیونی از سوی حدود ۱۰ هزار نیروی پولیس کار سختی است و باید مردم برای مبارزه با جرایم به بسیج ملی بییونددند.

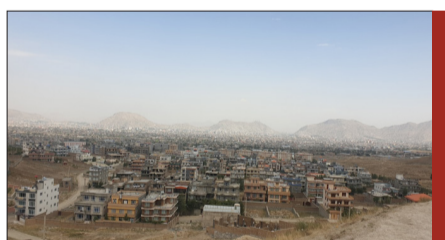
بی پناهی مردم در بازی تاج و تخت امارت و جمهوریت

مصالحه دوحه برای ختم منازعه افغانستان؛ چشم انداز و چالش‌ها

اجلاس دوحه با ابتکار ایالات متحده آمریکا و با میزبانی دولت قطر منعقد گردیده است. این اولین اجلاس مصالحه نیست و شاید آخرین اجلاس هم نباشد که به هدف ختم منازعه افغانستان در بیرون از کشور برگزار می‌گردد. قبلا در مسکو، دوحه، بن و چندین شهر دیگر نیز چنین مذاکراتی برگزار گردیده بود که تا الحال نتیجه نداده و صلح در افغانستان تجربه نشده است.



طرح به‌سازی حومه‌های غرب پایتخت چه قدر عملی شده است؟



طرح به‌سازی دشت برچی که حدود چهار سال پیش اعلام و اجرایی شده بود، هنوز تکمیل نشده است. این طرح قرار بود تا اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی از سوی شهرداری کابل تکمیل شود، اما این اداره تنها بخش اندکی از این طرح‌ها را عملی کرده است. اکنون باشندگان دشت برچی از کم‌کاری شهرداری کابل انتقاد می‌کنند و می‌گویند با وجودی که قرار بود طرح به‌سازی این ساحه تا اواخر ۲۰۱۹ میلادی تکمیل شود، اما با گذشت یک سال از تاریخی که برای ختم آن...

رییس هیأت مذاکره‌کننده دولت: هیچ کس نمی‌تواند مانع خواست مردم برای صلح شود



۸صبح، کابل: محمدمعصوم استانکزی، رییس هیأت مذاکره‌کننده دولت می‌گوید که هیچ کس نمی‌تواند مانع خواست مردم برای تأمین صلح شود. استانکزی روز جمعه، هژدهم میزان در توییتی نوشته است که برای رسیدن به صلح دایمی در کشور تعهد دارد. او در ادامه افزوده است: «امیدواریم که مذاکرات صلح در روشنی قرآن و سنت نتایج مطلوبی را بر اساس خواست مردم داشته باشد.»

پدرم به قاتلان مادرم ۱۰۰ هزار افغانی داده بود تا بکشند

۸صبح، کابل: صالح فرزند مادری است که هفته گذشته در ولایت فاریاب از سوی دو فرد تفنگدار در برابر چشمانش تیرباران شد. این پسر ۱۱ ساله در دیداری با والی فاریاب مدعی شده است که پدر او برای کشتن مادرش ۱۰۰ هزار افغانی داده است. نقیب‌الله فایق، والی فاریاب روز جمعه، هژدهم میزان عکسی از دیدار خود با این کودک را در توییتش هم‌گانی کرده و گفته است که این کودک خواهان اجرای عدالت بر پدرش شده است. نقیب‌الله فایق درباره بازداشت پدر این کودک چیزی نگفته است.



۶۵ سال تجربه هوانوردی



داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

www.flyariana.com
+93 (0) 790 07 1333
خدمات مشتریان | 1333



حصار شش ماهه‌ی ولسوالی قلدس بادغیس شکست



شتاب امریکا نباید به روند صلح آسیب برساند

ایالات متحده امریکا گفته است که تا کریسمس امسال باید نیروهایش را از افغانستان خارج کند و این زمان، کم‌تر از چیزی است که پیش از این اعلام شده بود. رییس جمهور ترمپ در توییتی نوشته است که «ما باید گروه کوچک باقی‌مانده از مردان و زنان شجاع خود که در افغانستان خدمت می‌کنند را تا کریسمس به کشور برگردانیم.» ناتو به عنوان یکی از شرکای اصلی امریکا در جنگ افغانستان دست‌کم طی یکی - دو سال اخیر نقش حاشیه‌ای در روند صلح افغانستان داشت. با توجه به شتابی که واشنگتن برای آوردن صلح در افغانستان دارد، واکنش ناتو و اروپایی‌ها قابل پیش‌بینی بود. پنس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان ناتو، در یک نشست خبری در بروکسل، مقر این سازمان، در واکنش به توییت اخیر دونالد ترمپ مبنی بر خروج نیروهای امریکایی از افغانستان گفته است که در زمینه خروج نیروهای خارجی از این کشور، شرکای بین‌المللی نیاز به مشورت دارند. واکنش ناتو به عنوان سازمانی که قربانیان زیادی را در جنگ افغانستان متحمل شده، معنادار است. ناتو قدرتمندترین سازمان نظامی چندکشوری جهان است. ایالات متحده زمانی که برای ورود به جنگ افغانستان در جست‌وجوی مشروعیت جهانی بود، کشورهای مختلفی از جمله سازمان ناتو را توانست با خود همراه سازد. اما واقعیت این است که ایالات متحده امریکا در ماه‌های اخیر، کشورهایی که در جنگ افغانستان دخیل بودند را به حاشیه رانده است. نمونه واضح و غیرقابل انکار آن، توافق‌نامه صلح ایالات متحده امریکا با طالبان است؛ توافق‌نامه‌ای که بدون دخالت هر کشور و سازمان دیگری ترتیب و امضا شد. بسیاری از تصمیم‌بزرگ مانند توافق بر سر راهی ۵۰۰۰ زندانی و یا همه‌ی زندانیان طالبان نیز دور از چشم دولت افغانستان و بدون مشوره با نهاد قانونی‌ای به اسم «دولت» در افغانستان صورت گرفت.

واقعیت دیگر این است که این اقدام ایالات متحده امریکا در داخل افغانستان با واکنش‌های تندی روبه‌رو نشد. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین عامل آن خستگی و درمانده‌گی مردم از جنگ طولانی‌مدت در افغانستان است. موارد متعددی از نقض قانون در سال‌های اخیر در افغانستان اتفاق افتاده است. مردم به دلیل خستگی مفرط از جنگ و به امید بازگشت آرامش به کشورشان، نسبت به این موارد هیچ واکنشی نشان ندادند. در غیر این، یک‌تازگی ایالات متحده امریکا صریحاً متناقض با قانون اساسی افغانستان بود. استقلال افغانستان که در ماده اول قانون اساسی به آن اشاره شده، با توافق مستقیم ایالات متحده با طالبان زیر سوال رفت. حاکمیت ملی که در ماده چهارم قانون اساسی افغانستان به آن اشاره شده، با سوالات جدی روبه‌رو شد. مطابق ماده هفتادوپنجم قانون اساسی، حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت از منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی، از وظایف حکومت افغانستان است. علاوه بر آن حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود باید مقررات وضع و تصویب کند. این مقررات باید ناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد. علاوه بر این که اراده جمعی مردم افغانستان نیز در توافق‌نامه صلح میان طالبان و امریکا نیز تا حدود زیادی نادیده گرفته شد، تقریباً اکثر مواد قانون در افغانستان نیز نقض گردید. ناتو و کشورهای دخیل در جنگ افغانستان با روند صلح در این کشور با احتیاط کامل برخورد کرده‌اند. آن‌ها حساسیت‌های داخلی و منطقه‌ای موجود را به خوبی می‌دانند. اما این کشورها نسبت به آن چه در پروسه صلح افغانستان می‌گذرد، ناخشنود اند. این ناخشنودی می‌تواند پروسه صلح را با خطرهای جدی‌ای روبه‌رو سازد. جنگی که با حضور نزدیک به چهل کشور دنیا شروع شده، خاموش شدنش با اذن یک کشور خاص، محال است. کشورهای متحد با ایالات متحده امریکا، سال‌ها در افغانستان علیه طالبان و دیگر گروه‌ها جنگیدند. آن‌ها سرمایه‌های بزرگی را در افغانستان مصرف کردند و بسیاری از این کشورها در افغانستان قربانی دادند.

از جنوری سال ۲۰۰۶، ناتو با عملیات خودش موسوم به ایساف کارهای جنگی را از عملیات آزادی بلندمدت گرفت و خود عهده‌دار آن‌ها در جنوب افغانستان شد. نیروهای ناتو در اول از بریتانیا، کانادا، نیروهای هلندی و نیروهای کوچکی از دنمارک، رومانی و استونی به همراه حمایت هوایی ناروی و حمایت هوایی و توپخانه‌ای ایالات متحده شکل گرفت. هرچند در آن زمان نیز ایالات متحده عملیات‌های زیادی را به تنهایی و بدون مشورت با ناتو زیر نام «عملیات بلندمدت آزادی» انجام می‌داد. به نظر می‌رسد که علاوه بر شتاب امریکا، تفاوت دیدگاه‌های ناتو و امریکا نیز در به حاشیه رانده شدن ناتو و دیگر کشورها از روند صلح افغانستان بی‌تأثیر نبوده است.

ایالات متحده امریکا برای رسیدن به صلح عجله فراوانی دارد. این شتاب امریکا ممکن است انجام خوبی برای مذاکرات صلح نداشته باشد. یکی از دلایل واضح شتاب و عجله ایالات متحده، انتخابات پیش رو در امریکا و دیدگاه‌های شخصی دونالد ترمپ، رییس جمهور بحال این کشور است. جهان و کشورهای دخیل در جنگ ۱۹ ساله افغانستان طی یکی - دو سال گذشته و با اوج گرفتن مباحث مربوط به صلح در افغانستان، عمدتاً تماشاگر این اتفاقات بوده‌اند.

برای به ثمر نشستن آرزوی مردم افغانستان، نیاز به اجماع بین‌المللی است؛ چرا که جنگ افغانستان، جنگ میان دو گروه فکری داخلی نبوده است. ابعاد بین‌المللی جنگ افغانستان همیشه فریتر از ابعاد داخلی آن بوده است. روسیه، ایران و پاکستان کشورهای تأثیرگذار بر روند صلح افغانستان‌اند. اروپایی‌ها برای این که از افغانستان پس‌انگ حمایت اقتصادی و سیاسی کنند، نیاز است که امروز در روند صلح افغانستان شریک باشند.

در پی راهاندازی عملیات مشترک نیروهای امنیتی در ولایت بادغیس، مسیر رفت‌وآمد باشندگان قلدس پس از شش ماه با قلعه نو، مرکز این ولایت، باز شده است. هم‌چنان در پی این عملیات، ۳۸ تن از جنگ‌جویان طالبان کشته و ۲۶ تن دیگر زخمی شده‌اند. مقام‌های امنیتی می‌گویند که این عملیات به منظور بازگشایی مسیر ولسوالی قلدس با شهر قلعه نو راه‌اندازی شده بود که به طالبان خسارت مالی و جانی زیادی وارد شده است.



خلیل رسولی

در یک رویداد دیگر از این ولایت، ۱۰ تن از طالبان مسلح کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. مقام‌های امنیتی در این ولایت می‌گویند که طالبان قصد تصرف ولسوالی بالامرغاب این ولایت را داشتند، اما موفق به این کار نشدند.

برخی از اعضای شورای ولایتی بادغیس تأکید دارند که در شش ماه گذشته راه رفت‌وآمد ولسوالی قلدس با قلعه نو به روی مردم و نیروهای امنیتی بسته بود و پس از عملیات نظامیان ارتش، نیروهای امنیتی در مسیر راه قلدس مستقر شده‌اند.

شماری از کنش‌گران مدنی در ولایت بادغیس، به این باور اند که راه‌اندازی عملیات پاک‌سازی مناطق نامن به تنهایی تأثیر چندانی ندارد. به گفته‌ی آنان، طالبان پس از گذشت چند روز، دوباره کنترل مسیرهای پاک‌سازی شده را در اختیار می‌گیرند و اوضاع به حالت گذشته برمی‌گردد.

باشنده‌گان ولسوالی قلدس هم که پس از شش ماه توانسته‌اند به مرکز ولایت سفر کنند، خرسند هستند. با این حال، آن‌ها هرچند می‌گویند امنیت نسبت به گذشته تا حدی بهتر شده، اما به تداوم این وضعیت باور چندانی ندارند. مسوولان ارتش در بادغیس می‌گویند که عملیات مشترک نیروهای امنیتی برای بازگشایی مجدد راه ولسوالی قلدس با مرکز ولایت، سه روز ادامه داشت و هم اکنون

این مسیر با ایجاد چندین پاسگاه، امن است و مردم منطقه می‌توانند با فکر آرام در این مسیر رفت‌وآمد کنند.

علی‌رضا نیازی، معاون سخنگوی ارتش در این ولایت، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که حمله هوایی نیروهای امنیتی پاسگاه‌های طالبان را در ولسوالی قلدس هدف قرارداد که در این حمله ۳۸ طالب کشته و ۲۶ تن دیگر زخمی شدند. به گفته‌ی او ۳۸ عراده موتورسایکل و یک عراده موتر طالبان کاملاً از بین رفت و نیروهای امنیتی کنترل مناطق مهم و استراتژیک این ولسوالی را در اختیار دارند. او تأکید بر این دارد که در این عملیات، به نیروهای امنیتی هیچ آسیبی نرسیده است.

عبدالعزیز بیک، رییس شورای ولایتی بادغیس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که طالبان در این عملیات، بیش از ۳۰ کشته دارند و خسارت زیاد مالی و جانی به آنان رسیده است. به گفته‌ی او، از شش ماه پیش طالبان در مسیر ولسوالی قلدس - قلعه نو با ایجاد چندین پاسگاه، آرامش مردم این منطقه را برهم زده و راه رفت‌وآمدشان را بسته بودند.

برخی از کنش‌گران مدنی بادغیس، باور دارند که راه‌اندازی عملیات‌های نیروهای امنیتی، تأثیر کوتاه‌مدت دارد و مسوولان امنیتی برنامه‌ای مشخص برای حفظ امنیت نسبی به میان آمده، ندارند. سیدمحمود انتظار، از کنش‌گران مدنی در بادغیس، به روزنامه ۸صبح می‌گوید بارها شاهد آن بوده که با گذشت کمتر از یک هفته، ساحات پاک‌سازی شده دوباره به کنترل جنگ‌جویان طالبان درآمده است.

از دید او، مسوولان امنیتی برای تأمین نسبی امنیت طولانی‌مدت در این ولایت برنامه خاصی ندارد و تأثیر عملیات‌های آنان کوتاه‌مدت بوده و مردم پس از چند روز دوباره با همان مشکلات گذشته روبه‌رو می‌گردند. وی افزود بر این، از نبود امنیت در بزرگراه‌های هرات - بادغیس نیز شکایت دارد و تأکید می‌کند که هنوز از عملیات نیروهای امنیتی به منظور تأمین امنیت مسیر

زرمست چند روز بیش‌تر نمی‌گذرد، اما ناامنی‌ها دوباره در این مسیر افزایش یافته است.

برخی از باشنده‌گان ولسوالی قلدس که پس از شش ماه توانسته‌اند به مرکز این ولایت سفر کنند، از بازگشایی مسیر رفت‌وآمدشان خرسند هستند، اما به تداوم این روند باور چندانی ندارند. عبدالصبور صیوری، از باشنده‌گان این ولسوالی، بر این است که سستی‌های شش‌ماهه‌ی زادگاهش می‌گوید که مردم با مشکلات فراوانی چون کمبود مواد خوراکی و گرانی روبه‌رو بوده‌اند و از ترس طالبان برای خرید مواد مورد نیازشان نمی‌توانسته‌اند به مرکز این ولایت سفر کنند.

عملیات نیروهای امنیتی در ولسوالی قلدس ولایت بادغیس در حالی انجام شد که طی روزهای اخیر و پس از آغاز مذاکرات بین‌افغانی در شهر دوحه قطر، نیروهای امنیتی افغانستان در حالت «فعال» قرار دارند و کم‌تر بر مواضع طالبان حمله می‌کنند. در حالی که نیروهای امنیتی در حالت دفاعی قرار دارند، حملات طالبان بر بخش‌های گوناگون ولایت بادغیس طی روزهای اخیر افزایش چشم‌گیری داشته است.

همین چند روز پیش، به دنبال حملات طالبان بر مواضع نظامیان ارتش در ولسوالی بالامرغاب ولایت بادغیس، ۱۰ تن از طالبان مسلح کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شدند. در میان زخمیان این رویداد، یکی از فرماندهان «قطعه سرخ» طالبان نیز حضور دارد.

لطیف سلطان‌مراد، سخنگوی ارتش ملی در بادغیس، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که گروهی از طالبان مسلح به سرکرده‌گی ولسوال نام‌نهاد و فرمانده قطعه سرخ این گروه، بر مقر نیروهای امنیتی حمله کردند که با تلفات جانی طالبان، درگیری پایان یافت.

از آغاز سال روان خورشیدی و با گرم شدن هوا، حملات طالبان در مناطق گوناگون ولایت بادغیس افزایش بی‌پیشینه‌ای داشت و افزون بر این، مسیرهای ارتباطی این ولایت به ویژه بزرگراه هرات - بادغیس، گواه حضور گسترده طالبان بوده است.

جایزه صلح نوبل ۲۰۲۰ به برنامه جهانی غذا (WFP) رسید

۸صبح، کابل: برنامه جهانی غذا (WFP) جایزه صلح نوبل سال ۲۰۲۰ میلادی را دریافت کرد.

این جایزه لحظاتی پیش از سوی کمیته نوبل به برنامه جهانی غذا اعطا شد.

جایزه صلح نوبل به دلیل رسیده‌گی و توزیع غذا به گرسنه‌گان به‌ویژه در جریان بحران ناشی از کرونا به برنامه جهانی غذا تعلق گرفته است.

فوزیه کوفی، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت با طالبان از افغانستان نیز نامزد دریافت این جایزه بود.

او اعطای این جایزه را به برنامه جهانی غذا تبریک گفته است.

سال گذشته این جایزه به ابی‌احمد علی، نخست‌وزیر جمهوری دموکراتیک فدرال اتیوپی، اعطا شده بود.

پولیس قندهار:

طالبان یک مکتب تازه تأسیس را با بمب منفجر کردند



افغانی ساخته شده بود.

جمال بارکزی از جانب دیگر گفته است که طالبان در این اواخر به تخریب پل چک، مکتب، شفاخانه و جاده روی آورده‌اند و به این طریق «پروژه ناروا»ی پنجاب را کامل می‌کند.

طالبان اما تاکنون در این باره واکنشی نشان نداده‌اند.

گزارش‌های متعدد از تخریب جاده‌ها و پل چک توسط طالبان در ولایت قندهار منتشر شده است. گروه طالبان تاهنوز در این مورد اعلام موضع نکرده است.

۸صبح، کابل: پولیس قندهار می‌گوید که گروه طالبان یک مکتب تازه تأسیس را در ولسوالی ژری این ولایت بمب‌گذاری و منفجر کرده است.

جمال بارکزی، سخنگوی پولیس قندهار، روز جمعه، هژدهم میزان، گفته است که این اتفاق شام روز پنجشنبه در نزدیکی کمپ دوم مهاجران در ولسوالی ژری رخ داده است.

سخنگوی پولیس قندهار افزوده است که این مکتب از سوی وزارت احیا و انکشاف دهات و در چهارچوب پروژه اقراء به ارزش پنج میلیون

بازداشت ۸۰۰ دزد در ۴۵ روز

کابل هم چنان جولانگاه دزدان است



حبیب‌پهل

در شرایطی که پولیس از کاهش در آمارهای جرایم جنایی خبر می‌دهد، مردم معتقدند که پایتخت به جولانگاه بدل شده است. قتل یک دانش‌آموز تازه‌فارغ در کابل از سوی دزدان مسلح، موجی از اعتراض‌ها در فضای مجازی را در پی داشته است. برخی از شهریان در پایتخت می‌گویند که پولیس در بازداشت دزدان و راه‌زنان ناتوان است و حتا برخی از حوزه‌ها، با دزدان دست داشته یا به شکل هم‌سو عمل می‌کنند. وزارت امور داخله اما با آسیب‌شناسی وضعیت کابل، می‌گوید که پولیس در امر کاهش جرایم در شهر میلیونی تلاش کرده و نیاز است برای کاهش جرایم جنایی در پایتخت، شهریان کابل به بسیج ملی بپیوندند. این وزارت تصریح می‌کند در جریان یک‌ونیم ماه اخیر حدود ۸۰۰ دزد در کابل بازداشت شده است که بین ۱۲ تا ۲۲ سال سن دارند. به گفته مسوولان، هر چند روند بازداشت مجرمان از سوی پولیس ادامه یافته، اما ثبت یک رویداد قتل برخاسته از جرایم جنایی سبب می‌شود که مردم همه دست‌آورد‌های پولیس را نادیده بگیرند. آگاهان نظامی اما معتقدند که کابل امروز با سابق تفاوتی ندارد و تنها دلیل افزایش جرایم جنایی، ضعف اداری در چارچوب پولیس است، چرا که نمی‌توانند با جدیت لازم در مبارزه با جرایم عمل کنند.

شهریان کابل در روزهای اخیر از افزایش بی‌رویه قتل‌های برخاسته از جرایم جنایی شکایت دارند. در یکی از موارد، رامین یوسفی، جوان ۲۰ ساله که تازه به رشته مهندسی دانشگاه پولی‌تخنیک راه یافته بود، شام‌گاه سه‌شنبه، پانزدهم سنبله از سوی دزدان کشته شد. افزون بر این، چند مورد از قتل در حوزه‌های مختلف امنیتی در جریان یک هفته اخیر ثبت رسید و سبب شده است که مردم از آن‌چه در پایتخت می‌گذرد، لب به شکایت بگشایند. شهروندان متقاعد اند که هم‌سویی پولیس با دزدان و بی‌توجهی وزارت امور داخله سبب شده است که میزان جرایم جنایی در پایتخت به بالاترین میزان ممکن برسد. به گفته آنان، شهریان کابل در روزهای اخیر از شرایط هراس‌ناک و حتا نمی‌توانند در جریان روز به راحتی در سطح شهر گشت‌وگذار کنند.

مرتضی حسینی، شهروند کابل در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح، تصریح کرد که در جریان هفته گذشته در سرک دارالامان با دزدان روبه‌رو شد و همه دست‌داشته‌اش را از وی گرفته‌اند. به گفته وی، این مورد را به پوسته امنیتی نزدیک ساحه گزارش کرد، اما پولیس با وجود اطمینان‌دهی به وی، تحرک لازم در این مورد نداشته است. ذبیح محمدی، دیگر باشند حوزه هشتم امنیتی

پولیس ناممکن است و برای کاهش جرایم، نیاز است که مردم در ساحه‌شان به عنوان پولیس عمل کرده و از طریق نمبر ۱۱۹، با حفظ هویت‌شان نهادهای امنیتی را در جریان بگذارند. وی افزود که برای ایجاد شفافیت، نگهداری مجرمان در حوزه‌ها ممنوع شده است و دزدان پس از بازداشت به گونه عاجل به قرارگاه فرماندهی کابل یا قرارگاه وزارت امور داخله انتقال پیدا می‌کنند. به گفته آقای آربن، این کار سبب می‌شود که از آزاد کردن دزدان توسط زورمندان جلوگیری شود.

افزون بر این، شهروندان شکایت دارند که مواردی از جرایم جنایی در شهر کابل اتفاق می‌افتد و پولیس برای گریز از مسوولیت‌هایش، محل رویداد را ساحه زیر پوشش خود نمی‌داند. وزارت امور داخله اما می‌گوید که به پولیس در این مورد هدایت داده شده است، زیرا پولیس حق ندارد که با دیدن رویداد مشهود جرمی، غفلت کرده و خود را برائت دهد. وی به دو پولیس که در قضیه لت‌وکوب زنان در کابل غفلت وظیفه‌ای کرده بودند، اشاره کرد و افزود که این افراد زندانی و به لوی‌سارنوالی معرفی شده‌اند. با این حال، آقای آربن برخی از کاستی‌ها را می‌پذیرد و می‌گوید که تلاش دارند تا این موارد را حل کنند.

آگاهان نظامی اما معتقد اند که کاستی‌ها اداری در چارچوب پولیس سبب شده است تا کنترل جرایم جنایی در پایتخت از اختیار پولیس خارج شود. عتیق‌الله امرخیل، آگاه امور نظامی به روزنامه ۸صبح گفت که کابل در واقع همان پایتخت سابق است، اما نبود کادری «متعهد» و «کارکشته» سبب شده است که جرایم جنایی افزایش یابد. وی افزود که در برخی از موارد، افراد بلندرتبه و حتا در میان پولیس از دزدان حمایت می‌کنند که سبب تشدید جرایم جنایی می‌شود. او هم‌چنان گفت که پولیس با توجه به نداشتن تجربه لازم، در بیش‌تر موارد از مدارا کار می‌گیرند که سبب می‌شود تا دزدان با آزادی بیش‌تر به جرایم‌شان ادامه دهند. آقای امرخیل با ميثاق امنیتی موافق نیست و می‌گوید که پولیس باید در اعمال قانون جدیت بیش‌تر به خرج دهد تا وضعیت را دوباره زیر کنترل درآورد.

گفتنی است که افزون بر کابل، جرایم جنایی در شهر هرات نیز افزایش چشم‌گیری یافته است. هرچند حکومت برای کنترل وضعیت امنیتی، برنامه «ميثاق امنیتی» را سازمان‌دهی کرد، اما شهروندان معتقد اند که هیچ کاهش محسوس در سطح جرایم جنایی به وجود نیامده و حتا موارد جرمی در پایتخت افزایش یافته است.

داشته است.

سخنگوی وزارت امور داخله می‌گوید که پولیس در سهم خود همه روز مجرمان را بازداشت می‌کند، اما به گفته وی، مردم هنوز قانع نیستند و یک قتل برخاسته از جرایم جنایی سبب می‌شود که مردم همه دست‌آورد‌های پولیس را نادیده بگیرند. آمارهای وزارت امور داخله هم‌چنان نشان می‌دهد که پولیس در شش ماه اخیر دست‌کم ۱۱ هزار مجرم جنایی را در سراسر کشور بازداشت کرده است. با این حال، آقای آربن تصریح کرد که نیاز است یک بسیج کلان شکل بگیرد تا نهادهای ذی‌ربط، نهادهای آموزشی و رسانه‌ها در آن دخیل باشند، زیرا به باور سخنگوی وزارت امور داخله، نقش تربیتی، اجتماعی و روانی می‌تواند در کاهش جرایم تاثیرگذار باشد. از سویی هم، وزارت امور داخله می‌گوید که پولیس هم اکنون تنها در مبارزه با جرایم جنایی دخیل نبود، بل‌که در خط نبرد و در مبارزه با مواد مخدر نیز تلاش دارد. به باور آقای آربن، یک بسیج کلان برای رفتن به وضعیت مطلوب و مبارزه مشترک با جرم و جنایت لازم است تا بدین ترتیب، افزون بر پولیس، شهروندان نیز بتوانند در این روند نقش‌شان را ایفا کنند.

وزارت امور داخله تصریح می‌کند که ميثاق امنیتی در کاهش جرایم موثر بوده، اما به گفته مسوولان در این وزارت، باید بیش‌تر تلاش شود و نهادهای امنیتی و مردم به گونه مشترک در آن سهم بگیرند. مسوولان هم‌چنان معتقدند که نفوس شهر کابل از حد معمول آن بیش‌تر است و سازوکارهایی که بتوانند هویت افراد را روشن بسازد و روند تشخیص مجرمان را تسهیل بخشد، هنوز وجود ندارد. به گفته آقای آربن، کنترل جمعیت بیش از پنج میلیونی توسط ۱۰ هزار منصوب

شهر کابل می‌گوید که دزدان در برخی از نقاط این حوزه با خیال راحت عابرن را متوقف کرده و جیب آنان را خالی می‌کنند. وی می‌گوید که پولیس در مواقعی به عنوان فرد هم‌سو با مجرمان جنایی عمل کرده یا از پیگیری رویداد خودداری می‌کند. به باور او، شهروندان اکنون در شرایطی قرار دارند که حاضرند داشته‌های شان را به شرط این‌که برای‌شان صدمه نرسد، به دزد بسپارند. وزارت امور داخله اما می‌گوید که هر چند سطح جرایم جنایی در پایتخت نسبت به سال گذشته پنج درصد کاهش یافته، اما نیاز است که مردم برای کنترل وضعیت، با پولیس همکاری کرده و بسیج ملی را شکل دهند.

گره مشکل در کجاست؟

وزارت امور داخله می‌گوید که کنترل شهر پنج میلیونی از سوی حدود ۱۰ هزار نیروی پولیس کار سختی است و باید مردم برای مبارزه با جرایم به بسیج ملی بپیوندند. طارق آربن، سخنگوی وزارت امور داخله روز جمعه، هژدهم میزان به روزنامه ۸صبح گفت که این وزارت در جریان دو هفته اخیر یک همکاری مشترک با مردم را در حوزه پنجم امنیتی شهر کابل به راه انداخته است و توانسته که نتیجه خوبی به دست آورد. وی هرچند حوزه پنجم امنیتی شهر کابل را یک محل «جرم‌زا» خواند اما افزود که با کمک مردم، سطح جرایم جنایی در دو هفته اخیر حدود ۹۰ درصد کاهش یافته است. به گفته آقای آربن، پولیس در یک‌ونیم ماه اخیر نزدیک به ۸۰۰ دزد در کابل بازداشت و بایوم‌تریک شده است. او افزود، افراد بازداشت شده بین ۱۲ تا ۲۲ سال سن دارد که نشان می‌دهد افزون بر عوامل فقر، بیکاری و سواد ناکافی، مسایل تربیتی خانواده‌گی نیز در آن نقش

نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌های هرات مسدود اند

دلیل مسدود بودن ادارات عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌ها این است که شرایط از لحاظ امنیتی برای قاضی‌ها مساعد نیست.

آقای قتالی می‌افزاید که برای ولسوالی‌ها، تشکیلات عدلی و قضایی وجود دارد، اما مجبوراً کارمندان نهادهای عدلی و قضایی برخی ولسوالی‌ها در شهر حضور دارند. به گفته‌ی او، حراست از جان کدرهای عدلی و قضایی، برای حکومت اهمیت دارد و برای دشمنی که به «عالم و معلم» رحم نمی‌کند، نباید کارمندان عدلی و قضایی طعمه قرار داده شوند.

والی هرات افزود: «دشمنی که بدون هیچ شرطی دست به جان مردم افغانستان می‌زند، ما این شرایط را برایش مساعد نمی‌کنیم. در خود ولسوالی‌ها شاید شرایط مساعد باشد، اما مسیر رفت‌وآمد برای قاضی‌ها دشوار است. شرایط را در ولسوالی‌ها هم مساعد می‌کنیم تا خدمات عدلی و قضایی خوب‌تر فراهم شود.»

بر اساس معلومات آرایه شده از سوی اداره محلی هرات، یک «تیم امنیتی خاص» برای حفاظت از کدرهای عدلی و قضایی تشکیل شده که هرچند برای تأمین امنیت آن‌ها کفایت نمی‌کند، «اما باز هم خوب است». مسوولان ریاست محکمه استیناف و ریاست سارنوالی هرات، از تهدیدهای امنیتی بر کارمندان این نهادها ابراز نگرانی کرده و پافشاری دارند که با وجود تهدیدهای امنیتی، آنان برای عرضه خدمات قضایی به مردم تلاش می‌کنند.

به روایت برخی ساکنان ولسوالی‌های هرات، کارمندان ارشد محاکم و سارنوالی‌ها تنها چند روز در هفته به وظایف‌شان حاضر می‌شوند و نهادهای عدلی و قضایی همه‌روزه باز نیستند و همین امر سبب شده که مردم برای رسیدگی به مسایل حقوقی خود، به طالبان مراجعه کنند.

مسوولان ریاست سارنوالی هرات نیز می‌پذیرند که در برخی ولسوالی‌های این ولایت به دلیل نامنی، نهادهای عدلی و قضایی از جمله سارنوالی‌ها فعالیت ندارند. عبدالحق احمدی، رییس سارنوالی هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که ادارات دادستانی در چهار ولسوالی هرات مسدود اند. به گفته‌ی او، از مجموع ۱۹ ولسوالی هرات، در ۱۵ ولسوالی نهادهای دادستانی فعالیت دارند، اما در چهار ولسوالی تازه‌تأسیس پشت‌کوه، زیرکوه، کوه‌زور و ژاول، مراکز اداری ولسوالی‌ها تاکنون انتقال نیافته و هر زمان سایر مراکز اداری ایجاد شوند، سارنوالی نیز فعال خواهد شد.

آقای احمدی هم‌چنان می‌افزاید که نگرانی‌ها در مورد تأمین امنیت سارنوالی‌ها در هرات بسیار زیاد است و تهدیدهای امنیتی با شورای نظامی، مقام ولایت هرات و مقام‌های ارشد امنیتی در مرکز کشور در میان گذاشته شده است.

برخی اعضای شورای ولایتی هرات نیز پافشاری دارند که بدتر شدن وضعیت امنیتی در ولسوالی‌ها و بزرگ‌راه‌ها، نگران‌کننده است و مردم شکایت‌های زیادی در این مورد دارند. وکیل احمد کزخی، رییس کمیته امنیتی شورای ولایتی هرات، از مقام‌های محلی می‌خواهد که برای تأمین امنیت در ولسوالی‌ها و مسیر بزرگ‌راه‌های این ولایت، «اقدام ریشه‌ای» کنند.

مقام‌های محلی هرات باور دارند که عدم فعالیت نهادهای عدلی و قضایی در ولسوالی‌ها، ضعف «استرهم‌محکمه و لوی سارنوالی» کشور نیست. سیدوحید قتالی، والی هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید

افزون بر چهار ولسوالی تازه‌تأسیس «شیندند»، در چهار ولسوالی دیگر نیز محاکم مسدود اند. شمس‌الرحمان رییس‌خیل، رییس پیشین محکمه استیناف هرات، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید دلیل مسدود بودن محاکم در ولسوالی‌ها، مشکلات امنیتی است. به گفته‌ی او، در جریان پنج سال اخیر تلاش‌هایی برای بازگشایی محاکم در ولسوالی‌ها انجام شد، اما به دلیل مساعد نبودن شرایط امنیتی، آن‌ها موفق نشدند محاکم را در ولسوالی‌های هرات فعال بسازند. وی می‌افزاید، در ولسوالی‌های شیندند، گلران، فارسی و کشک‌کهنه، نهادهای عدلی و قضایی مسدود اند.

رییس پیشین محکمه استیناف هرات افزود، در مناطقی که نهادهای عدلی و قضایی مسدود اند، کارمندان آن در مرکز شهر خدمات قضایی را به مردم عرضه می‌کنند و فعالیت چهار محکمه‌ی مسدود، در مرکز ولایت هرات جریان دارد.

محمدشرف فانی، رییس محکمه استیناف هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح، مسدود بودن نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌های این ولایت را تأیید می‌کند. از دید او، هدف اصلی نهادهای عدلی و قضایی، تأمین عدالت است و برای دسترسی بهتر مردم به عدالت، باید محاکم در ولسوالی‌ها بازگشایی شوند. آقای فانی افزود، نهادهای امنیتی باید برای بازگشایی محاکم و سارنوالی‌ها در مناطق دوردست و ولسوالی‌ها همکاری کنند و بدون همکاری نهادهای امنیتی و فراهم‌سازی امنیت کارمندان محاکم در مناطق ناامن، فعالیت این نهادها دشوار است.

مقام‌های محلی هرات می‌پذیرند

که نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌های این ولایت فعالیت ندارند و تهدیدهای امنیتی سبب توقف فعالیت این ادارات در ولسوالی‌ها شده است. ریاست محکمه استیناف هرات و ریاست سارنوالی این



محمدامین نیکخواه

ولایت، مسدود بودن نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌ها را تأیید می‌کنند.

افزون بر این، تهدیدهای امنیتی بر کارمندان ادارات عدلی و قضایی نگرانی مسوولان ریاست محکمه و سارنوالی هرات را به دنبال داشته است. از دید کارمندان نهادهای عدلی و قضایی، افزایش تهدیدهای امنیتی در ولسوالی‌ها و مرکز هرات، برای آنان قابل‌پذیرش نیست. اداره محلی هرات عدم فعالیت نهادهای عدلی و قضایی در برخی ولسوالی‌ها را می‌پذیرد، اما پافشاری دارد که این مسأله نشان‌گر ضعف استرهم‌محکمه و لوی سارنوالی نیست و مشکلات امنیتی عامل اصلی مسدود بودن ادارات عدلی و قضایی می‌باشد.

طی دو دهه اخیر، شکایت‌هایی از چگونگی فعالیت نهادهای عدلی و قضایی در ولسوالی‌ها و مناطق دوردست وجود داشته است. در برخی مناطق زون غرب کشور، به دلیل عدم فعالیت محکمه و سارنوالی، مردم برای حل‌وفصل مسایل حقوقی‌شان به دادگاه‌های صحرائی طالبان مراجعه می‌کنند. بر اساس معلومات ریاست محکمه استیناف هرات،



ع.ا. فاضل دانشجوی مقطع دکتری در هندوستان

اجلاس دوحه با ابتکار ایالات متحده امریکا و با میزبانی دولت قطر منعقد گردیده است. این اولین اجلاس مصالحه نیست و شاید آخرین اجلاس هم نباشد که به هدف ختم منازعه افغانستان در بیرون از کشور برگزار می‌گردد. قبلاً در مسکو، دوحه، بن و چندین شهر دیگر نیز چنین مذاکراتی برگزار گردیده بود که تا الحال نتیجه نداده و صلح در افغانستان تجربه نشده است. تلفات و خسارات ناشی از جنگ بسیار زیاد و حیرت‌آور بوده و در طول بیش از چهار دهه منازعه، هنوز روزه امید به سوی صلح تصور نمی‌شود. در این اواخر که روند مصالحه بین‌افغانی کلید خورده است، همه روزه به صورت اوسط ۵۰ تا ۶۰ نفر تلفات نظامی و ملکی ثبت می‌گردد. قبل از آغاز مذاکرات دوحه پیش فرض‌های دولت افغانستان و افکار جمعی در مورد طالبان چنین بود که این گروه با تغییر پالیسی و نگرش سیاسی احتمالاً بسان حزب اسلامی حکمتیار به مصالحه حاضر شود و واقعیت‌های جامعه متکثر افغانستان و نظام دموکراتیک را در این کشور بپذیرد. در مقدمه اجلاس دوحه اما این پنداشت‌ها وارونه ثابت گردید و طالبان واضح ساخت که اندک‌ترین تحولی در استراتژی و راهبرد سیاسی آنان رخ نداده است. همین اصرار و ایستاده‌گی‌های واپس‌گرایانه در برابر حکومت‌داری مدرن، نظام دموکراتیک، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی و دست‌آوردهای دو دهه نظام موجود در افغانستان مذاکرات را از آغاز به بن‌بست مواجه کردند. به دلیل بن‌بست در آغاز مذاکرات از انکشاف آن وضاحت داده نمی‌شود.

جنگ تا رفع جنگ

بن‌بست مذاکرات در دوحه و تشدید جنگ در نقاط مختلف افغانستان تاکتیکی است که طالبان تلاش می‌کند با آن واقع‌نمایی کند. واقعیت طالبان همان است که از فتهای مطالبات و پیش‌شرط‌های مذاکرات برمی‌آید و آنان می‌خواهند نظام مبتنی بر جبر و سلطه را بالای مردم افغانستان بقبولانند و از راه جنگ بر جانب مقابل غالب شود. این تاکتیک در جنگ و سیاست پدیده تازه نیست. نظریه ویلسون «جنگ تا رفع جنگ» یک پایان وحشت‌ناک برای یک آغاز خوب تفسیر شده است. و در ویلسون (۱۸۵۶-۱۹۲۴) بیست‌وهشتمین رییس جمهور امریکا در بیانیه تاریخی خود در کانگرس که به صورت ویژه در مورد مصالحه ایراد نموده بود از «جنگ تا رفع جنگ» سخن گفت. در این سخنرانی او چهارده نکته مهم

مصالحه دوحه برای ختم منازعه افغانستان؛ چشم‌انداز و چالش‌ها



پیرامون چگونگی ختم جنگ تذکر داده شده بود که به «چهارده نکته ویلسون» مشهور است. او می‌گوید که ما جنگ می‌کنیم و جنگ را تا زمانی ادامه می‌دهیم که جنگ رفع شود. طالبان هم در میز مذاکره نشسته‌اند و هم به میدان جنگ تقلا دارند. آنان هر روز نظامی‌های افغانستان را آماج قرار می‌دهند، مابین‌گذاری می‌کنند، تاسیسات دولتی و شاهراه‌ها را تخریب می‌کنند و با روش‌های مختلف خشونت می‌آفرینند. کارشناسان بر این باور اند که این تاکتیک طالبان دقیقاً برای نیل به مقصود سیاسی آن گروه و حامیان بیرونی آنان است. به عبارت دیگر تعیین موقعیت غالب که برای طرف مقابل پذیرفتنی نیست و تحقق آن برای طالبان حیات دوباره سیاسی در عرصه ملی و بین‌المللی به شمار می‌رود. در جریان کم‌تر از یک ماه تمهیدات برای این اجلاس، تا کنون نتیجه مثبت نداشته و هنوز گروه‌های تماس هر دو جانب موفق به تسوید کارشویه مذاکره نگردیده و اختلافات کماکان باقی مانده است. لذا چنین پیدا است که این پروسه قبل از این‌که آغاز گردد به بن‌بست رسیده و هیچ گامی به پیش نبرده است.

عدم اجماع قدرت‌ها

همان‌گونه که تذکر داده شد، مذاکرات صلح در دوحه، ابتکار امریکایی است و عدم حضور کشورهای ذی‌نفوذ در

مسایل جنگ و صلح افغانستان یک چالش اساسی فرا راه این پروسه به حساب می‌آید. جمهوری خلق چین یکی از کشورهای ابرقدرت منطقه و دوست نزدیک پاکستان است که همواره از نظر دیپلماسی و ایدئولوژیک بر طالبان نفوذ دارد. چینی‌ها می‌توانند با استفاده از نفوذ مستقیم پاکستان در روند مصالحه، دورنمای اقتصادی مفید برای آینده چین ترسیم کنند. در یک گفت‌وگو بزرگ اقتصادی، افغانستان متحد با چین می‌باشد. روسیه، ایران و ترکیه که در این مذاکرات نقش مستقیم ندارند. با توجه به روابط قبلی با ایران؛ طالبان در آغاز این مذاکرات تأکید بر رسمی بودن فقه حنفی داشته و تحقق این داعیه با علائق مذهبی ایران سازگاری نخواهد داشت. مهم‌تر از همه نقش هندوستان و پاکستان نیز در منازعه افغانستان قابل مکت است که در این روند مصالحه به صورت اساسی شریک نیستند و در استقرار صلح افغانستان اجماع ندارند.

انزوی سازمان ملل متحد

با توجه به جایگاه جهانی سازمان ملل متحد و نقش تاریخی آن در امور مصالحه، این سازمان در اجلاس دوحه نقش مستقیم ندارد. رییس سازمان ملل متحد با اظهار نظر خوش‌بینانه نسبت به توافق جوانب متخاصم و نقش

محوری ایالات متحده بسنده کرده است. از آغاز تاسیس تا اکنون نقش سازمان ملل متحد در ختم منازعات حاد، برقراری آتش‌بس و انکشاف صلح در کشورهای متعدد مهم و ارزنده بوده است. اولین اقدام مصالحه ملل متحد در سال ۱۹۵۶ است که بعد از اشغال قسمت‌های از مصر توسط فرانسه، انگلیس و اسرائیل صورت گرفت. تعیین خطوط مرزی پاکستان و هند، حل منازعات قبرس و لبنان، استقرار صلح و خلع سلاح‌سازی در کشورهایمانند نامیبیا، گواتمالا، موزامبیک و ده‌ها کشور دیگر از فعالیت‌های تاریخی سازمان ملل متحد در ختم منازعات و انکشاف صلح می‌باشند. با توجه به نوعیت متفاوت منازعه در افغانستان، چارچوب مصالحه و رفع دایمی مناقشات نیز بایست با مداخله سازمان ملل متحد و کشورهای بزرگ ذی‌دخل در جنگ و صلح افغانستان تعریف می‌گردد. بدین ملحوظ تعریف کارشویه مذاکرات دوحه و تداوم آن با مشکل مواجه گردیده است و دوام این لفاظی‌های سیاسی و سفسطه‌گویی‌های دینی در عدم مداخلات سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی بی‌نتیجه خواهد بود. تصور بر این است که اگر توافقی هم صورت بگیرد ضمانت اجرایی آن بعد از حضور و عدم حضور طالبان در اداره افغانستان بعید به نظر می‌رسد.

ارگ و سپیدار

اختلافات جدی ناشی از انتخابات بین ارگ و سپیدار کماکان به قوت خود باقی اند. در آخرین روزها نامزد وزیران هر دو جانب مشخص گردید که هنوز به پارلمان معرفی نگردیده‌اند. حاشیه‌های اشتراک آقای عبدالله در افتتاح جلسات دوحه و سفر موصوف در پاکستان نیز اختلافات دولت توافقی را برجسته‌تر نموده و نگرانی‌های آقای غنی را از الغای حکومت توافقی و تشکیل حکومت موقت یا عبوری بیش‌تر کرده است. در حال حاضر سرنوشت افغانستان شباهت به وضعیت سومالیای دارد که بعد از قطع شدن کمک‌های خارجی، اختلافات سیاسی و خصومت‌های قومی بالا گرفته بود که در نتیجه جنگ‌های داخلی و ناآرامی‌های زیاد را در پی داشت. هم‌چنان در یک شرایط مشابه دیگر بعد از خروج قوت‌های پرتگالی از انگولا شرایط طوری عیار شده بود که مردم جمهوری آنگولا گرفتار منازعات داخلی گردید و این جنگ‌ها تا سال‌های ۱۹۹۲ به مدت بیش‌تر از ۱۵ سال ادامه یافت. لذا معطوف به واقعیت‌های تاریخی و با در نظر داشت شدت جنگ، ناامنی‌ها و اختلافات بین‌الحکومتی چنین استنباط می‌گردد که امریکایی‌ها در پروسه مصالحه دوحه؛ سازمان ملل متحد، ابر قدرت‌های منطقه و کشورهای همسایه افغانستان را در انزوا نگه داشته و در آوردن صلح موفق نخواهد بود.

بی‌پناهی مردم در بازی تاج‌وتخت امارت و جمهوریت

عبدالمنان دهراد، پژوهشگر

در این روزها همه به نتیجه گفت‌وگوهایی صلح دوحه چشم دوخته‌اند؛ از رهبران سیاسی کشور گرفته تا شهروندان عادی، جنگ ۴۰ ساله‌ی افغانستان بی‌گمان یک نسل را کشت، نسل دیگر را پیر کرد و نسل امروز نیز در میانه‌ی این بازی‌ها، احساس بی‌پناهی می‌کند. مردم نیک می‌دانند که سناریویسان جنگ چهل ساله‌ی افغانستان دیگران بودند و سناریوی صلح هم دست دیگران است. آن‌ها همان گونه‌ی که جنگ را پدید آورده و تا این‌جا ادامه دادند، نیز می‌توانند کشتی صلح را هم به سر منزل مقصود برسانند. ما همیشه بازیچه‌ی دست سناریویسان بیرونی بوده‌ایم، به خصوص در چهار دهه‌ی اخیر چه کمونیست، چه مجاهد، چه طالب و چه تکنوکرات همه و همه طبق سناریوی آماده شده، بازی کرده‌اند. قصه‌ی گفت‌وگوهایی صلح با طالبان هم جزو همین داستان دنباله‌دار تاریخ معاصر ما است. امریکا، زمانی به طالبان به بهانه‌ی گفت‌وگوهایی صلح، مشروعیت منطقه‌ای و جهانی بخشید که ۱۹ سال پیش به بهانه‌ی نابودی آن‌ها به افغانستان لشکرکشی کرد؛ اما امروز مشتاق آوردن آن‌ها به افغانستان و در میان‌گذاری در دست‌رخوان قدرت است.

حکومت افغانستان طی ۱۹ سال در تبتانی با امریکایی‌ها به دلایل قومی و تباری، دست طالبان را باز گذاشتند، چون آن‌ها را ابزار ساده‌ی در دنیایی سیاست فکر می‌کردند، که هیچ‌گاهی روایت کلان سیاسی را نمی‌توانند به چالش بکشند.

اینک مردم افغانستان در میانه‌ی بازی تاج و تخت میان متولیان امارت و جمهوریت گیر مانده‌اند، از یک‌سو طالبان با آن همه سخت‌گیری و ترسی که ایجاد کرده و جنایاتی که انجام داده‌اند و از سوی دیگر حامیان جمهوریت که مردم تا کنون از آن‌ها جز فساد و تعصب

چون جهان‌دیده شدند و از همین نشانی به ملک و منال بسیاری رسیده‌اند، اما پیروان ساده و انقلابی آن‌ها هرگز! آن‌ها که تمام زنده‌گی‌شان را در کشتن، سوختن بردن سپری کرده‌اند، اگر روزی به استقرار سیاسی هم برسند، باز هم آرام‌شان نمی‌گیرد؟ تجربه گروه‌های انقلابی در همه جای جهان، نشان داده است که گروه‌هایی انقلابی به استقرار نمی‌انديشند، بلکه به حرکت باورمند اند، حتا اگر روزی همه مخالفان و دشمنان‌شان را هم نیست و نابود کنند، باز هم با «خودی‌ها» درگیر می‌شوند. چون اصالت وجودی آن‌ها همین گونه است و از همین دریچه به جهان و محیط بیرونی نگاه می‌کنند. این تجربه را ما در زمان پیروزی مجاهدین داریم.

اما در این‌سو شماری پرچم جمهوریت را بلند کرده‌اند، جمهوریتی که منحصر به نوع خودش است، این جمهوریت را بر خلاف مفهوم اصلی «جمهوریت» و تجربه‌ی نظام‌هایی که ذیل این سیستم تعریف می‌شوند، کثرت‌گرایی، شمول‌گرایی، باورمند به عدالت اجتماعی و انتقاد جایی ندارد. هر کسی که در جمهوریت اشرف غنی دهل مخالفت مدنی را هم بزند، دستش از همه امکانات حکومتی قطع می‌شود و خودش مطرود همه فراورده‌های جمهوریت قرار می‌گیرد. در جمهوریت غنی انحصارگرایی حکم‌فرما است. همه چیز در دست یک حلقه‌ی کوچک قرار دارد و دست این حلقه در همه چیز و همه‌جا باز است، نه قانون جلو رفتارهایی یک‌ساله آن‌ها را می‌گیرد و نه ارزش‌هایی دیگر و نه هم اعتراض میلیون‌ها انسان. این جمهوریت برخلاف نامش از حمایت جمهور مردم و

شهروندان برخوردار نیست، به دلیل این‌که بی‌عدالتی، قانون‌ستیزی، خویش‌خوری، تیم‌بازی، قوم‌گرایی و بی‌احترامی به فرهنگ و زبان دیگر گروه‌ها و اقوام جزو اصلی‌ترین برنامه‌ی جمهوریت غنی است. اینک مردم افغانستان در میانه‌ی جمهوریت غنی و امارت طالبان قرار گرفته‌اند. امروز «متولیان امارت» به کمک «حامیان جمهوریت» بر سر میز گفت‌وگوهایی صلح نشسته‌اند، در این‌سو مدعیان تاج و تخت جمهوریت سنگ‌اندازی نموده و عزم را جزم کرده‌اند تا «صلح» آن‌ها، به نتیجه نرسد. در این میان، این مردم افغانستان هستند که تاوان این بازی‌های تاج و تخت را به گونه‌ی روزانه می‌پردازند، چون به هر پیمانه‌ی که سر ریسمان صلح را مدعیان جمهوریت ارگ‌نشین کش کنند، به همان پیمانه سربازان بالفعل «امارت» به جان و مال مردم دست‌برد می‌زنند و تنور جنگ را داغ و داغ‌تر می‌کنند.

اما از این‌که پشت سر هر دو روایت «جمهوریت» و «امارت» و بازیگران آن‌ها، بسیاری از کشورهای منطقه‌ای در تبتانی با امریکا هستند، پس «هرچه آن خسرو کند، شیرین کند». امریکا همین اکنون حلقه‌ی وصل «امارت طالبان» و «جمهوریت غنی» در افغانستان است. اما از این‌که سر دسته‌ی جمهوریت «جنون قدرت» دارد و قدرت نیم‌بند را مساوی به جان و زنده‌گی‌اش می‌داند، بنا بر این دور انداختن او از قدرت کار ساده‌ی نیست، امریکا باید در آخرین لحظه، تاوان سرکشی‌هایی مردی را بدهد که طی این سال‌ها با استفاده از نام و نشان امریکا، بسیاری از سیاست‌گران کشور را زمین‌گیر کرد.

در تاریخ سیاسی جهان «جمهوریت چهارم» به جمهوری چهارم در فرانسه اطلاق می‌شود که بعد از جنگ جهانی دوم در بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ میلادی بر سرنوشت این کشور حاکم بود. از ویژه‌گی‌های عمده این جمهوری، رشد اقتصادی فرانسه بعد از جنگ جهانی دوم و استعمارزادایی بود. اما منظور از نبشته حاضر، تحلیل مفهوم چهارمین جمهوری در افغانستان، ابقا و یا احتمال اضمحلال آن است.

نخستین جمهوری افغانستان در ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ خورشیدی، تحت زعامت فقید محمد داوود خان تاسیس شد. این جمهوری که با پیروزی‌اش مورد حمایت مردم قرار گرفت و منتج به سقوط نظام شاهی چند صد ساله کشور شد، ضمن آنکه ارزش‌های ملی و اسلامی را مبنای فعالیتش می‌دانست، به منظور رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی که آن را میراث رژیم‌های شاهی و استعمار کهن می‌دانست، اقتصاد سوسیالیستی را تجویز کرد. محمد داوود، مؤسس این جمهوری در بیانیه‌اش در لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی در دلو سال ۱۳۵۵ خورشیدی چنین گفته بود: «سوسیالیسمی را که ما به حیث روش اقتصادی به منظور سازمان‌دهی جامعه نوین افغانی برگزیده‌ایم، در حقیقت امر راه توصل به عدالت اجتماعی و از بین بردن تفاوت و تضاد طبقاتی به شیوه‌های مثبت و مترقی و به طرق مسالمت‌آمیز آن است و این همان روش و راهی است که منابع آن را واقعیت‌های تاریخی فرهنگ ملی و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ما و روحیه حقیقی و واقعی اسلام تشکیل می‌دهد و از اصول عمده و اساسات مترقی در جهت تامین حق و عدالت، آزادی و مساوات، برادری و برابری و محکوم کردن تبعیض و ریشه کن ساختن استثمار و از بین بردن هر نوع بهره‌کشی انسان از انسان استفاده می‌کند.»

اولین جمهوری افغانستان در هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی در نتیجه کودتای حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب پیرو ایدیولوژی مارکسیسم-لنینیسم-تپ ماسکو) سرنگون و به عوض آن دومین جمهوری افغانستان تحت نام «جمهوری دموکراتیک افغانستان» تاسیس شد. این جمهوری بدین منظور تاسیس شده بود تا به پیروی از افکار لنینیسم راه رشد غیر سرمایه‌داری به سوسیالیسم را برای افغانستانی که از نظر صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی ماتریالیسم تاریخی، در

فارماسیون فئودالیسم قرار داشت، مهیا سازد.

این جمهوری که متمایل یا حتا متکی به اتحاد شوروی سوسیالیستی سابق بود، دولت و نظام سیاسی‌اش را در ماده اول اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان (به مثابه قانون اساسی موقت جمهوری دموکراتیک افغانستان) چنین معرفی می‌کرد: «جمهوری دموکراتیک افغانستان دولت مستقل و دموکراتیک تمام مردم زحمت‌کش مسلمان افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، کسبه‌کاران، کوچیان، روشن‌فکران و سایر زحمت‌کشان و تمام نیروهای دموکراتیک و وطن‌پرست و کلیه ملیت‌ها و اقوام کشور می‌باشد.»

جمهوری دموکراتیک افغانستان برای تحکیم حاکمیتش با پشتی‌بانی مستقیم و حضور بلاک سوسیالیستی، از نیرو مسلح و سیاست خشن استفاده برد که منتج به کشتن صدها هزار افغان و مهاجرت میلیون‌ها انسان این کشور شد.

با تغییراتی که در بلاک سوسیالیستی و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی سابق در سطح بین‌المللی و فشار فزاینده مقاومت‌ها در سطح ملی به وجود آمد، رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نیاز تغییر رژیم سیاسی را تشخیص داد و در پی اعلان سیاست مشی مصالحه ملی توسط داکتر نجیب‌الله و وضع قانون اساسی جمهوری افغانستان و الغای اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و با انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۶۶ خورشیدی جمهوری سوم تاسیس شد. در بخشی از مقدمه قانون اساسی آن جمهوری چنین آمده بود: «ما نماینده‌گان مردم افغانستان در لویه‌جرگه با درک تحولات تاریخی که در میهن ما و در جهان معاصر رونما گردیده و با پیروی از اساسات دین مبین اسلام، حفظ و غنای موارث نهضت مشروطیت کشور، احترام به منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، این قانون اساسی را به مثابه مهم‌ترین وثیقه ملی بتاریخ ۱۳۶۶/۹/۹ در سیزده فصل و ۱۴۹ ماده تصویب کردیم.»

با سقوط حکومت داکتر نجیب‌الله به دست مجاهدین و تاسیس دولت اسلامی افغانستان در ۸ ثور ۱۳۷۱ خورشیدی، سومین جمهوری نیز سرنگون گردید. به تعقیب آن امارت اسلامی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی و سپس تاسیس اداره موقت در سال ۱۳۸۰ خورشیدی و

جمهوریت چهارم

بالاخره حکومت انتقالی اسلامی جانشین دولت جمهوری شدند. سرانجام با انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ خورشیدی، بعد از انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات ولسی‌جرگه، جمهوری چهارم تحت نام «جمهوری اسلامی افغانستان» به میان آمد.

این جمهوری مانند جمهوری‌های دیگر مشروعیتش را از قانون اساسی‌اش کسب می‌کند و این بارزترین ممیز یک نظام جمهوری است که منبعث از ماهیت این نوع نظام است. از سوی دیگر هر نظام جمهوری محصول اراده ملت است که این موضوع در ماده چهار قانون اساسی افغانستان صراحت دارد. هم چنان دو ممیزه دیگر که عبارت از حاکمیت قانون و پاسخ‌دهی به مردم است و تطبیق یک‌سان قانون با رعایت اصل برابری، نظام جمهوری را از غیر جمهوری متمایز می‌سازد.

به منظور جلوگیری از اطاله کلام، این‌جا سوالی مطرح می‌گردد که جمهوری چهارم ما که بر سرنوشت کشور حاکم است، چنین ممیزاتی را دارد؟ برای پاسخ به این سوال، به قانون اساسی افغانستان مراجعه می‌نمایم و در روشنایی آن به شناسایی دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌پردازم:

در یک نظام جمهوری، تفکیک قوا وجود دارد که خوش‌بختانه قانون اساسی کشور ما نیز آن را پذیرفته است. اما در عمل این قوا ناقص است. استرهمحکمه باید نه عضو داشته باشد که از سالیان متمادی بدین‌سو تعداد این اعضا تکمیل نیست و فعلا صرف شش عضو دارد. این وضعیت طبیعتا بر روند عدالت و حاکمیت قانون اثرگذار است.

به اساس قانون اساسی افغانستان، حکومت مجموع وزرا است که در راس آن رییس جمهور قرار دارد و شخصی که از جانب رییس جمهور به منظور تأیید به ولسی‌جرگه معرفی و بعد از اخذ رای تأیید آن جرگه و اجرای تحلیف در حضور رییس جمهور، وزیر شناخته می‌شود. بنا با در نظر داشت صراحت احکام قانون اساسی، سرپرست بودن وزرا که مجموع آن‌ها حکومت را تشکیل می‌دهند، مجاز نیست. این در حالی است که این مجموعه همه سرپرست هستند و بدین ترتیب حکومت سرپرست شکل گرفته است که باعث نقض نظام حقوقی کشور شده است.

از سوی دیگر به اساس حکم فقره دوم ماده ۷۷ قانون اساسی افغانستان، وزرا از وظایف مشخصه در برابر رییس جمهور و ولسی‌جرگه پاسخ‌گو هستند. در حالی که سرپرست وزارت‌ها، وزیر نیستند و رای اعتماد هم کسب نکرده‌اند، بنا ملزم به پاسخ‌گویی به ولسی‌جرگه نیستند. به این ترتیب، اصل پاسخ‌گویی حکومت به ملت در این حالت منتفی شده است که خود خلاف روح جمهوری است.

به اساس حکم قانون اساسی افغانستان، شورای ملی متشکل از ولسی‌جرگه و مشرانوگرگه بوده و ترکیب هر یک از این جرگه‌ها را قانون مشخص کرده است. از جمله در مورد اعضای مشرانوگرگه ماده ۸۴ قانون اساسی کشور چنین صراحت دارد: «اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می‌شوند: ۱- از جمله اعضای شورای هر ولایت یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چار سال. ۲- از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال. ۳- یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت‌های خبیر و باتجربه به شمول دو نفر از نماینده‌گان معلولان و معیوبان و دو نفر از کوچی‌ها به تعیین رییس جمهور برای مدت پنج سال.»

اگر به این بخش ماده فوق‌الذکر دقت نمایم مشروعیت مجلس علیای شورای ملی افغانستان زیر سوال رفته است. بدین معنی که از یک سو مدت کار شوراهای ولایتی خاتمه یافته و انتخابات شوراهای مذکور دایر نشده که بدین اساس مشروعیت یک ثلث اعضای مشرانوگرگه را زیر سوال برده است و از سوی دیگر متأسفانه از انفاذ قانون اساسی تا حال انتخاباتی برای شوراهای ولسوالی‌ها صورت نگرفته و چنین شورایی وجود ندارد.

منظور از ذکر نکات فوق این است که نظام جمهوری را دولت جمهوری اسلامی افغانستان تمثیل می‌کند و این در حالی است که قوای متشکله دولت از نظر ماهوی و ساختاری با این وضعیت قرار به سر می‌بزد و خود ناقض روح قانون اساسی یک نظام جمهوری است. این در حالی است که جمهوری چهارم افغانستان با همین وضعیت آشفته در برابر چالش امارت قرار گرفته است و دچار بحران درونی است. زمام‌داران جمهوری چهارم باید از سرنوشت سه جمهوری ماضی بیاموزند که آن جمهوری‌ها را دشمنان‌شان از بیرون سقوط ندادند، بلکه از داخل پوسیدند و مضمحل شدند.

«نسل تغییرات عمیق، قربانی صلح نخواهد شد»



گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر با عارف رحمانی، نماینده‌ی مجلس

زنانی که تا رتبه‌های عالی علمی تحصیل کرده‌اند و صاحب مناصب و کرسی‌های دولتی هستند، در جامعه فعالیت می‌کنند یا تجارت‌های خصوصی دارند را نادیده گرفت. هم‌چنین قربانی کردن یک نسل جوان شامل چند میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاه که به دنبال تغییر هستند ناممکن است و هیچ یک از این موارد را نمی‌توان پذیرفت.»

شبکه: شما به تغییراتی در رابطه با حضور زنان در اجتماع و سیاست اشاره کردید و این‌که نادیده گرفته‌شدن این دست‌آوردها برای آنان پذیرفتنی نیست، با توجه به رویکردی که طالبان نسبت به زنان دارند، به باور شما نفس روبه‌رو شدن بانوان با طالبان، چه در جایگاه اعضای تیم مذاکره‌کننده و چه به عنوان نمایندگان رسانه‌ها چه تأثیری بر دیدگاه طالبان خواهد داشت؟

رحمانی: به باور من طالبان به نوعی غافل‌گیر شدند، اما چون اصلا تغییری نکرده‌اند این موضوع برای‌شان زیاد مهم نبود و آن‌گونه که باید رفتار نسبتا انسانی و مدنی از خود نشان ندادند. من فکر می‌کنم تا زمانی که طالبان واقعیت‌های عینی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیست سال گذشته در مورد زنان را نپذیرند و تا وقتی که از لحاظ ایدیولوژیک یک تغییر عمیق در بخش اعتقادات‌شان به وجود نیاید، باید به صورت جدی نگران نقض حقوق زنان در حوزه‌هایی که طالبان پس از توافق صلح صاحب صلاحیت و مسئولیت قانونی در آن می‌شوند بود. نکته‌ی دیگر این است که من طرفدار افراط نیستیم؛ وقتی ما می‌گوییم جمهوری، یعنی مردم و بعد بلافاصله می‌گوییم اسلامیت، ما چه در بخش مردان و چه در حوزه‌ی زنان یک سلسله قیود رفتاری داریم؛ به همین دلیل فکر می‌کنم اگر بانویی به نماینده‌گی از مردم، جامعه‌ی مدنی یا خبرنگاران در چنین جایی حضور می‌یابد باید یک بانوی مسلمان معتدل و متمدن باشد که نشان بدهد وقتی در مورد یک انسان مورد عنایت قانون اساسی حرف می‌زنیم، منظور چنین شخصی است.

شبکه: اگر احتمالا محدودیتی در مورد حقوق زنان از سوی طالبان مطرح شود، موقف حکومت چه باید باشد؟ **رحمانی:** فکر می‌کنم باید با هر چیزی که حقوق انسانی زنان را محدود کند برخورد شود. ما تشنه‌ی صلح استیم و طالبان خواستار کشتار و ویران‌گری هستند. صلح یک معنی دارد و آن هم ایجاد آرامش است، اما اگر یک فضای آرامش‌گورستانی ایجاد شود و صلح استبدادی به وجود بیاید، بهتر همان است که جنگ صورت بگیرد. اگر طالبان خواهان نظامی استند که نتیجه‌ی آن یک آرامش‌گورستانی به نام صلح باشد، به گمان من این صلح ممکن است نهایتا تا پنج سال پاسخ‌گو باشد و پس از آن یک‌بار دیگر جنگ داخلی آغاز خواهد شد. بهتر است طالبان واقعیت‌های زمان را درک کنند و بپذیرند که یک نسل و عصر دیگر آمده است و دنیا نمی‌تواند طالبانیسم و وحشی‌گری‌های آنان را بپذیرد. این گروه باید بر اساس روح معتدلانه‌ی آموزه‌های اسلام و باورهای اسلامی حکومتی را ایجاد کند که مردم در سایه‌ی آن بتوانند به سوی رفاه و بارور کردن استعداد‌های خود بروند.

شبکه: ارزیابی‌تان از آن‌چه تا کنون در مذاکرات اتفاق افتاده است، چیست؟

رحمانی: من فکر می‌کنم که طالبان در یک بازی بسیار پیچیده، امتیازات لازم را از امریکا گرفته و طبیعی است که امتیازاتی نیز به امریکایی‌ها داده‌اند. آزادی پنج هزار تروریست بدون این‌که آتش‌بسی برقرار شود یا توافق بسیار جدی صورت بگیرد، در واقع شاید بزرگترین امتیاز و بهایی بود که امریکا می‌توانست به طالبان بدهد، اما اتفاقی که افتاد این بود که طالبان دیگر بهانه‌ای برای عدم مذاکرات با دولت افغانستان نداشتند و دست‌شان خالی شد، ولی از آن‌جایی که طالبان از اساس، طرفدار مذاکره و صلح نیستند عملا تن به مذاکرات واقعی نخواهند داد. تقریبا یک ماه یا کم‌تر از آن است که این گروه با سرسختی روی یک سلسله شروط برای آغاز مذاکره ایستاده‌گی کرده است که این شروط برای دولت ما قابل قبول نیست.

شبکه: در مورد این شروط کمی بیش‌تر توضیح بدهید. **رحمانی:** یکی از مسائلی که طالبان مطرح کردند این بود که در فرایند مذاکرات، مباحث طبق فقه حنفی پیش برود و بحث رسیده‌گی به حقوق اقلیت‌ها و بحث مذهب جعفری پس از توافق و استقرار در کابل آغاز شود، در حالی که این دولت افغانستان قابل قبول نیست و اگر فرض کنیم چنین چیزی اتفاق بیفتد، در واقع در حدود هفت تا هشت میلیون جمعیت شیعه‌مذهب کشور که قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان حق آنان را به رسمیت شناخته است، نادیده گرفته خواهند شد. آیا چنین چیزی ممکن است؟ بحث بعدی این است که طالبان تنوع و تکرر را از بین می‌برند، جمهوری را نمی‌خواهند و خواستار نظامی استند که همان امارت اسلامی است، اما با یک نام مستعار، یکی از موضوعات دیگر این است که طالبان تا کنون نپذیرفته‌اند که با آزاد شدن پنج هزار زندانی باید به سمت آتش‌بس بروند و برعکس هر روز دست به انفجار و انتحار می‌زنند.

شبکه: چه مواردی باید از خطوط سرخ دولت در مذاکرات باشد؟

رحمانی: خطوط سرخ دولت و مردم افغانستان واضح است؛ اگر قانون اساسی کشور از مردم گرفته شود، فکر می‌کنم دیگر فرقی نداشته باشد که در این‌جا یک حکومت شاهنشاهی، مطلقه یا مشروطه بیاورید یا یک امارت اسلامی؛ به این معنی که یک عقب‌گرد جدی اتفاق خواهد افتاد و چنین چیزی قابل قبول مردم نیست.

به باور آقای رحمانی، مشکلی که در مورد گفت‌وگوهای صلح وجود دارد این است که طالبان از یک سو در حال مذاکره با دولت افغانستان هستند و از سوی دیگر حملات آنان در حال شدت‌گرفتن است که این حالت حاکی از نوعی دوگانگی است و جنگ عملا ادامه دارد. با این حال به گفته‌ی وی، در حال حاضر برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از ارزش‌های جمهوری حمایت می‌کنند که نکته‌ی مثبتی برای افغانستان است.

یادداشت: این مطلب توسط شبکه جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر تهیه شده است. روزنامه ۸صبح، تنها مسوولیت چاپ و نشر آن را بر عهده دارد.



قیمت: ۲۰ افغانی



مرضیه حسینی، دکترای مطالعات هایدروپولیتیک

مقدمه

اساسی‌ترین چالش افغانستان پس‌الصح، توسعه است و مستقیم‌ترین راه حصول آن، توسعه زیرساخت‌های کشاورزی و تولید برق در کشور است و کارآمدترین ابزار آن، مدیریت بهینه منابع آب کشور است. مدیریت سیاسی آب‌های فرامرزی، از طریق باز تعریف منافع مشترک با همسایه‌گان پایین آب، راه کاری است دو سر برد، برای حل منازعات هایدروپولیتیک در منطقه، به رهبری افغانستان.

یکی از اقدامات نهادین جهت توسعه، امکان سنجی توسعه، با توجه به زیر ساخت‌های موجود در کشور است. در طول سالیان گذشته، میلیاردها دالر جامعه بین‌المللی، برای دموکراسی، آزادی بیان و حقوق زن در افغانستان مصرف شد، در حالیکه دموکراسی در ساختمان توسعه، در منزل چهارم آن قرار می‌گیرد (دکتر سریع‌القلم، ۱۳۸۶) و برای رسیدن به آن، لازم است زیرساخت‌های اقتصادی کشور مستحکم شوند. تولید ثروت و گسترش صادرات در کشور توسعه‌نیافته‌ای مانند افغانستان، اساس ارزش‌های دموکراسی، و مرحله ابتدایی تسلسل توسعه محسوب می‌گردد و تا مادامی که این اساس بنیان گذاشته نشود، هر آن‌چه بر ساخته خواهد شد، حیاب و توهم توسعه است. در افغانستان، ما در ابتدا نیازمند ساخت سیستم بودیم و باید سیستم را مبنایی برای تحول قرار می‌دادیم، این در حالی است که در ابتدای راه توسعه با مفاهیم خوش‌آب و رنگ دموکراسی و آزادی بیان اغوا شده و فرصت را از دست دادیم. در کشوری که تنها درصد ناچیزی از آن باسواد هستند، دموکراسی به عنوان کالایی لوکس و بس‌گران، به ملت فروخته شد. گران به اندازه میلیون‌ها دالر و گذر نزدیک به ۲۰ سال زمان.

دکترین مسوولیت حمایت، توجیه دو دهه حضور امریکا، در افغانستان

ایالات متحده امریکا، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و با اتخاذ رویکرد یک‌جانبه گرایانه، اقدام به جنگ در افغانستان کرد و تحت عنوان مبارزه با تروریسم، در چهارچوب دکترین مسوولیت حمایت، نزدیک به ۲۰ سال حضور نظامی و اقتصادی خود را در کشور حفظ کرد. این دکترین یکی از تیوری‌های مطرح فعلی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی است. با توجه به باز تعریف دولت‌های شکست خورده به عنوان منشای اساسی بحران‌های فعلی در عرصه بین‌الملل، استراتژی استفاده از اجبار سازمان ملل برای مدیریت بحران، آخرین و شاید بهترین راه‌کار برای مدیریت بحران در عرصه بین‌الملل تلقی شد. این مفهوم به مقابله با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها در قلمرو یک کشور و توسط دولت مربوطه می‌پردازد. این دکترین که به ارائه تعریفی جدید از حاکمیت، یعنی حاکمیت مسوولانه،

هایدروپلیتیک افغانستان، ابزار توسعه زیرساخت‌ها

می‌پردازد؛ بازتابی از حساسیت جامعه بین‌المللی نسبت به فجاج دلخراش بشری است که در دهه نود میلادی در سومالی، رواندا، بوسنی و کوزوو به اوج خود رسیده است. این اصل با سه بعد پیشگیری، واکنش و بازسازی، به عنوان راه‌حلی در پاسخ به ضعف و کاستی نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض عمده حقوق بنیادین بشری، از اواخر دهه نود میلادی وارد ادبیات حقوقی شده است. به موجب این اصل، کشورها در قبال وقوع ژنوسید (نسل‌کشی)، جرایم جنگی، پاک‌سازی قومی و جرائم علیه بشریت، در هر گوشه ای از جهان، مسوول حمایت از جان ملت بوده و با کسب مجوز از سوی شورای امنیت، ابتدا به پیش‌گیری از علل ریشه ای و مستقیم بحران پرداخته و در صورت عدم کفایت این روش‌ها، یا توسل به ابزارهای غیر نظامی و دیپلماتیک واکنش نشان خواهند داد. مداخله نظامی همواره به عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته می‌شود. پس از بحران نیز جامعه بین‌المللی مسوول بازسازی ساختارهای در هم ریخته کشور بحران‌زده خواهد بود؛ آن‌چه امریکا را ملزم به تداوم حضور در افغانستان کرد.

حمله امریکا به افغانستان در قالب این دکترین، مبارزه با تروریسم و تداوم حضور در نزدیک به دو دهه، هم‌سو با سومین اصل آن، یعنی بازسازی توجیه شد. این حضور در دوران طالبان و پسا طالبان، دست‌آویز مستحکمی شد برای پرورسه دولت‌سازی و دموکراسی پروانی در کشور، اما به مرور و با گذشت یک دهه به دلایل متعدد سیاسی و سیستمی، در روندی قرار گرفت، نزولی، که پی‌آمدهای توسعه‌ای آن، فقط در میدیا و به صورت سمبولیک قابل مشاهده بود. صرف نظر از علل و معلول‌های این نافرجام، آن‌چه مهم است و ملموس، این است که پس از نزدیک به بیست سال که امریکا عزم رفتن از افغانستان را جزم کرده است. آن‌چه می‌ماند کشوری است هم‌چنان ناامن، با اقتصادی متکی و معلق، و دنیایی از سو محاسبات که حاصلی است از فرصت طلایی از دست رفته است. در طول دو ده دهه گذشته، امریکا و جامعه جهانی، چند گامی، افغانستان را به سمت توسعه راه بردند، اما راه رفتن را یاد ندادند. علی رغم مصرف میلیاردها دالر در طول دو دهه گذشته، کشور هم‌چنان در بدیهی‌ترین شاخص‌های مربوط به توسعه پایدار و حتا توسعه هزاره، در ابتدایی‌ترین سطح ممکن، قرار دارد . ضمن امتنان از کمک‌های بی‌شایان امریکا و جامعه بین‌المللی، می‌توان دریافت که مدیریت مصرف بودجه‌های کلان دالری در کشور، به علت سو مدیریت دولت افغانستان، در سطحی‌ترین روش ممکن و بدون تقویت زیرساخت‌ها انجام شد.

در حال حاضر، حاصل افغانستان از توسعه، قرار داشتن ۹۰ درصد جمعیت کشور با درآمد کم‌تر از دو دالر در روز، زیر خط فقر (سرخنان رییس جمهور– مورخ علی‌رغم این که، ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در افغانستان، وابسته به کشاورزی بوده و حدود ۸۰ درصد از نفوس کشور در این بخش مشغول فعالیت هستند، آبیاری در این صنعت، هم‌چنان به روش سنتی انجام می‌شود و هنوز مکانیزه نشده است. به گزارش وزارت زراعت، بیش از هفت و نیم میلیون هکتار زمین قابل کشت در کشور وجود دارد که از این میان، سی فی‌صد از این زمین‌ها به علت ضعف موجود در سیستم آبیاری و کانال‌کشی آب، بلا استفاده مانده‌اند. در واقع می‌توان گفت، به علت نبود زیر ساخت مساعد، آب نه به عنوان عامل، بلکه مانعی است برای زراعت. چرا که یکی از چالش‌های اساسی برای ساکنین در حوزه آمو دریا، طغیان‌های فصلی آب و از بین رفتن زمین‌های زراعتی در این نواحی است. در محدوده دریای هریرود نیز علی‌رغم راه‌اندازی بند سلما و ذخیره آب، فقدان سیستم آبیاری توسعه یافته، مانع از ازدیاد حجم محصولات کشت شده است و بخش عمده‌ای از زمین‌های اطراف این حوزه آبریز، هم‌چنان خشک و بایر است.

توسعه کشاورزی در افغانستان ضمن این‌که منجر به حرکت به سوی خودکفایی در بخش مواد غذایی

می‌شود، بلکه با افزایش تولید و ارتقای صادرات، تاثیر بسزایی در تعدیل تراز تجارتي افغانستان با همسایه‌گان خواهد گذاشت. برای مثال؛ تراز تجارتي بین دو کشور ایران و افغانستان، -۹۵ فی‌صد به ضرر دولت افغانستان است؛ به این معنی که افغانستان تبدیل به بازار مصرف محصولات غذایی تولید ایران شده است، حالی که خود توان توسعه اقتصادی از طریق افزایش صادرات به این کشور را ندارد. در صورتی که با توسعه زیرساخت‌های کشاورزی در کشور، بتوانیم کمیت و کیفیت محصولات کشت شده را ارتقا داده و صادر کنیم، ضمن این‌که بخشی از نیاز کشاورزی کشورهای همسایه، را تامین خواهیم کرد، تاثیر مثبت در متوازن شدن تراز تجارتي کشور خواهیم گذاشت. توسعه و افزایش صادرات در صنعت کشاورزی، ضمن بالا بردن تولید ناخالص ملی، در کاهش فقر و اشتغال‌زایی نیز مؤثر خواهد بود.

دیگر عامل مرتبط با مدیریت منابع آب، هایدروپاور است. طبق گزارش وزارت انرژی و آب در سال ۲۰۱۱، میزان برق مورد نیاز کشور ۲۳۴۸.۷ میگاوات برآورد شد. که از این میزان ۸۰ فی‌صد آن از کشورهای همسایه خریداری و وارد کشور می‌شود، که گاه‌گاه به علت مشکلات امنیتی و یا زیر ساختی در روند انتقال داخل کشور، پر چالش و ناموفق است، و این امر، یکی از خلاهای عمده در بخش توسعه کشور را نمایان‌گر است. تولید برق با استفاده از آب یکی از کاربردی‌ترین روش‌های دسترسی به این انرژی است که از دیر باز در افغانستان رایج بوده است. علی رغم مصارف میلیاردها دالر جامعه جهانی در افغانستان، هیچ کشوری حاضر به توسعه زیرساخت‌ها در زمینه مدیریت آب‌های فرامرزی و احداث سد در کشور نشده است. به جز بانک جهانی که اقداماتی در بخش سد سازی حوزه آبی کابل انجام داده است، عمدتا به دلیل مسائل سیاسی مرتبط با آب‌های فرامرزی، از حمایت توسعه سد سازی بر روی منابع آبی مشترک، اجتناب می‌شد. در مصاحبه با یکی از منابع آگاه این طور عنوان شد که یکی از نهادهای بین‌المللی در افغانستان جهت تامین منابع برق خود، ژنراتوری به مبلغ حدودا ۴۰۰ میلیون دالر خریداری کرد که تنها مصرف تیل این ژنراتور، ماهیانه ۲۰۰ دالر بود. این مثال محرز، حاکی است از سو مدیریت جدی در مصارف بودجه‌های کلان؛ در حالی که تنها کسری از مبالغ مصرف شده در این ۲۰ سال، می‌توانست اساسی‌ترین نیاز رفاهی کشور، یعنی برق را نه تنها تامین، بلکه تضمین کند. به نوعی که به عنوان کشور صادرکننده برق بتوانیم درآمد حاصل از آن را، به عنوان عایدات مستقل دولت از توسعه، باز در راه توسعه بیش‌تر به مصرف برسانیم.

ارتقای زیرساخت‌های مربوط به تولید برق، در درازمدت، کشور را به یکی از صادرکننده‌گان برق در منطقه بدل می‌کند و گسترش صادرات در سه بخش محصولات کشاورزی، برق و آب به کشورهای هم‌جوار، و مطرح شدن افغانستان به عنوان منبع صادرکننده انرژی در منطقه، به طور مستقیم، بر اقتصاد، امنیت، و سیاست کشور متکی و توسعه نیافته افغانستان، تاثیر صعودی خواهد گذاشت.

آیا سرمایه‌گذاری در افغانستان کاهش یافته است؟

جدیدی جهت جذب سرمایه‌گذاران بیش‌تر خارجی ایجاد شده است. چنان‌که گزارش‌های ابتدایی از ولایات غربی کشور می‌رساند که تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران خارجی در حال زمینه‌سازی برای آغاز فعالیت‌ها و تاسیس کارخانه‌های بزرگ در کشور اند. علاوه بر حضور سرمایه‌گذاران استرالیایی، اندونیزیاب، کشورهای آسیای میانه، بازدید هیات دولتی و خصوصی جمهوری اسلامی ایران از وزارت صنعت و تجارت و گفت‌وگوهای‌شان جهت سرمایه‌گذاری در بخش صنایع و استخراج معادن نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور رو به بهبود و در حال جان گرفتن است.

با توجه به تبعات کاهش کمک‌های بین‌المللی، بحران ۲۰۱۴ و چالش‌های بی‌شمار فراروی سرمایه‌گذاری، دست‌آورد اساسی این است که فضای عمومی در کشور اکنون از ابهام بیرون شده و حتا سرمایه‌گذاران خارجی افغانستان مکان مصون‌تر ارزیابی نموده، با اعتماد علاقه‌مندی‌شان را جهت سرمایه‌گذاری ابراز می‌کنند.

اکنون که دورنما و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان روشن‌تر می‌گردد. امید می‌رود که در سال‌های آتی میزان سرمایه‌گذاران بیش‌تر و رفاه عمومی و شکوفایی وطن باشیم.



جواد دبیر

رییس اطلاعات و ارتباط عامه وزارت صنعت و تجارت

پیش از این‌که به چگونه‌گی سرمایه‌گذاری در افغانستان پرداخته شود، لازم است تا نگاه اجمالی به وضعیت افغانستان در دو دهه گذشته داشته باشیم: با فروپاشی طالبان، افغانستان در شرایط استثنایی قرار گرفت. با کمک‌های نقدی جامعه جهانی، سالانه میلیاردها دالر به اقتصاد کشور و چرخ زنده‌گی مردم از طریق‌های مختلف تزریق می‌شد. وضعیت اقتصادی و روانی شهروندان کشور در سال‌های ۲۰۰۲ – ۲۰۱۳ مسیر رو به پیش‌رفت را نشان می‌داد. منابع ملی و بین‌المللی رشد اقتصادی افغانستان را تا ۱۶ درصد در سال ثبت کرده‌اند؛ رقمی که در دنیا کم‌تر تجربه شده است. رشد اقتصادی چین، یکی از بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا در بهترین حالت به شش درصد رسیده بود.

وضعیت به صورت عموم در کشور، طوری بود که بسیاری‌ها به کارهای بنیادی و اساسی کم‌تر تأمل می‌کردند. کار و مزد گرفتن از یک نهاد یا سازمان

خارجی، ضمانت زنده‌گی مرفه تشخیص داده می‌شد. در واقع پول‌اندوزی به یک امر ساده تقلیل یافته بود. به علاوه، کم‌نبود کسانی که از خانه‌ی کرای، دفتر کرای، موتر کرای و… به دارایی‌ها غیر قابل هضم دست یافته بودند. لذا تصور می‌شد که وضعیت دایمی افغانستان همین گونه خواهد بود.

با آهنگ خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و کاهش هزینه‌ها در بخش‌های نظامی و اجتماعی، زنگ «بحران ۲۰۱۴» نواخته شد. متأسفانه تعداد از هموطنان ما سراسیمه با دارایی‌های‌شان افغانستان را ترک و در کشورهای منطقه و خلیج موقعیت گرفتند. هر چند با کاهش هزینه‌های بین‌المللی در افغانستان و فرار سرمایه‌ها، رشد اقتصادی کشور نیز افت کرد، اما این شوک و آشفته‌گی اقتصادی درسی جدید برای سکان‌داران سیاسی و اقتصادی کشور نیز بود. هم‌زمان با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید، دولت جدید با کم‌ترین عقبه مالی جامعه جهانی به کار آغاز کرد.

طرح بهسازی حومه‌های غرب پایتخت چه قدر عملی شده است؟



عبدالرحمن حسینی

طرح بهسازی دشت برچی که حدود چهار سال پیش اعلام و اجرایی شده بود، هنوز تکمیل نشده است. این طرح قرار بود تا اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی از سوی شهرداری کابل تکمیل شود، اما این اداره تنها

بخش اندکی از این طرح‌ها را عملی کرده است. اکنون باشندگان دشت برچی از کم‌کاری شهرداری کابل انتقاد می‌کنند و می‌گویند با وجودی که قرار بود طرح بهسازی این ساحه تا اواخر ۲۰۱۹ میلادی تکمیل شود، اما با گذشت یک سال از تاریخی که برای ختم آن در نظر گرفته شده بود، هنوز در مرحله ابتدایی است. این باشندگان تصریح می‌کنند که به علت خاکی بودن جاده‌ها و ترافیک سنگین، باشندگان غرب کابل با مشکلات زیادی مواجه‌اند. به گفته‌ی آن‌ها، شماری از نقاط که کار ساخت‌شان از سوی شهرداری کابل آغاز شده بود، نیمه‌کاره مانده و این اداره یا کارش را متوقف کرده و یا هم با «کندی بیش از حد» کار می‌کند. در همین حال شهرداری کابل می‌گوید که این اداره توانسته است قسمت زیادی از پلان‌هایش را در غرب کابل تطبیق و عملی کند. به گفته‌ی این اداره، در حال حاضر ده‌ها پروژه زیر کار است و قرار است به زودی تکمیل شود. هم‌چنان شهرداری کابل می‌افزاید که ۹۰ درصد ساخت‌وساز در غرب کابل غیرپلانی است و این اداره در تلاش است تا این ساحات را پلانی بسازد.

طرح بهسازی دشت برچی در اواخر سال ۱۳۹۵ با معاون دوم رییس جمهور و حکومت در میان گذاشته شد. حکومت تطبیق این طرح را به شهرداری کابل و وزارت شهرسازی و مسکن واگذار کرد. حکومت برای اجرایی شدن این طرح، فیصله کرده بود که مشکلات و چالش‌های مردم اولویت‌بندی و طرح بهسازی دشت برچی در پلان‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت اجرایی شود. در آن وقت شهرداری کابل ازدحام و ترافیک سنگین را از چالش‌هایی یاد کرده بود که باشندگان دشت برچی با آن‌ها مواجه‌اند. به همین دلیل شهرداری وعده داده بود که اتصال سه سرک از کمپنی به جاده شهید مزاری را در اولویت کارش قرار می‌دهد. هم‌چنین وعده سپرده بود که کار ساخت و بهسازی سرک‌ها و کوچه‌های غرب کابل را تا اوایل سال ۱۳۹۶ آغاز می‌کند.

در جلسه‌های دیگر که در بیستم حوت سال ۱۳۹۶ در دفتر سرور دانش، معاون دوم ریاست جمهوری برگزار شده بود، شهرداری کابل بار دیگر تاکید کرد که کار بهسازی غرب کابل در اولویت این اداره قرار دارد و به‌زودی کار عملی آن را شروع می‌کند. این طرح قرار بود در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی تکمیل شود. اکنون که نزدیک به یک سال از موعد آن می‌گذرد، کار ساخت سه سرک فرعی که جاده شهید مزاری را با سرک کمپنی وصل می‌کند، آغاز نشده است. براساس معلومات باشندگان محل، تنها کار ساخت سرک شهرک عرفانی آغاز شده و از دو سرک دیگر که یکی از گولای مهتاب قلعه می‌گذرد، خبری نیست.

شریف وطن‌دوست، فعال مدنی و باشندگان غرب کابل، از کم‌کاری شهرداری کابل انتقاد کرد و گفت که شهرداری کابل نسبت به وعده‌هایش صادق نیست و آن‌طوری که وعده داده بود، عمل نکرده است. او به عنوان نمونه به کار ساخت سرک عرفانی و دو سرک فرعی که سرک شهید مزاری را به سرک کمپنی وصل می‌کند، اشاره کرد و گفت: «شهرداری کابل وعده داده بود که سرک دشت برچی را از سه نقطه با کمپنی وصل می‌کند. تنها کار ساخت سرک عرفانی را یک سال پیش آغاز و وصل کرد، اما کار قیبریزی آن به کندی به پیش می‌رود. شهرداری تنها خانه‌ها را تخریب

کرده و دیگر کارش معلوم نیست. از دو سرک دیگر که یکی از آن‌ها از گولای مهتاب قلعه می‌گذرد، خبری نیست و هنوز آغاز نشده است.»

علاوه بر این، شریف وطن‌دوست خاطرنشان کرد که شهرداری کابل در طول چند سال اخیر بعضی کوچه‌ها را تخریب و بازسازی کرده، اما اکثر نقاطی که باید بازسازی می‌شد، نشده است. علاوه بر این، او از شروع نشدن کار سرک‌های فرعی به شدت انتقاد کرد. وطن‌دوست گفت که در حال حاضر راه‌بندان و ازدحام ترافیکی، یک چالش عمده فراروی مردم است و باشندگان این منطقه راه ۱۵ دقیقه‌ای را به دلیل ازدحام ترافیکی در یک ساعت طی می‌کنند. او گفت، در صورتی که سه سرک فرعی ساخته شود، بخش بزرگی از مشکلات باشندگان غرب کابل حل خواهد شد.

رحیم، باشندگان دیگر غرب کابل است. او می‌گوید به رغم این‌که قرار بود طرح بهسازی غرب کابل تا اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی تکمیل شود، اما این طرح به دلیل کم‌کاری شهرداری کابل تکمیل نشده است. او گفت که همین اکنون سرک‌ها و کوچه‌های اکثر مناطق غرب کابل خاکه مانده و پخته نشده است. به گفته‌ی او، در غرب کابل نزدیک به دو میلیون نفر زنده‌گی می‌کنند، اما حکومت نسبت به ساخت‌وساز در این منطقه کدام توجهی نکرده است. وی افزود که در اوایل سال ۱۳۹۵ حکومت وعده سپرده بود که تا اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی تمامی کوچه‌ها و سرک غرب کابل پخته‌کاری می‌شود، اما این وعده‌ها هنوز اجرایی نشده است. او از حکومت خواست که به وعده‌هایش عمل کند و کوچه‌ها و سرک‌هایی که ساخته نشده‌اند را بسازد.

در همین حال شهرداری کابل می‌گوید که اصل انکشاف متوازن نواحی، مطابق ماسترپلان «چارچوب طراحی شهر» اولویت این اداره است. نعمت‌الله بارکزی، مسوول مطبوعاتی شهرداری کابل، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که شماری از پروژه‌ها در دشت برچی تکمیل شده، تعدادی زیر کار اند و پروژه‌های دیگر در حال تهیه اسناد تخنیکی و در مراحل تدارکاتی قرار دارند. بارکزی بیان داشت که در حال حاضر کار ساخت سرک شهرک مهدیه به طول دو کیلومتر و عرض شش متر، سرک زیارت قرآن به طول ۱٫۸ کیلومتر و عرض شش متر، سرک چهل‌دختران به طول ۴٫۲ کیلومتر و عرض هفت متر، سرک گذر ۱۲ شهرک جاغوری‌ها، سرک گذر ۳۶ و ۲۹ معرفت و سرک گذر سوم گولایی مهتاب‌قلعه تکمیل شده است. به همین ترتیب کار ساخت پروژه‌های بهسازی گذر قافله باشی، قلعه سلطان، گذر هفتم شهرک دوازده امام و گذر دهم ایستگاه نقاش نیز تکمیل شده است.

هم‌چنان وی بیان داشت که کار ساخت ادامه سرک چهل‌متره شهید مزاری به طول ۳٫۷۹۱ کیلومتر و با عرض ۴۰ متر جریان دارد و هنوز تکمیل نشده است. به همین ترتیب بارکزی اضافه کرد که کار سرک چهل‌متره شهرک عرفانی، سرک شهرک دوازده امام و ساخت سرک در ۵۱ منطقه شهرک مهدیه در جریان و به زودی تکمیل می‌شود. بارکزی اما در مورد ساخت سرک اتصالی دیوان‌بیگی و مهتاب‌قلعه گفت که این سرک شامل برنامه است و به خاطر مشکلات استملاک خانه‌ها، کار آن شروع نشده است.

علاوه بر این، بارکزی بیان داشت که ساخت ۱۴ کیلومتر کوچه در گذر پانزده‌ی ناحیه‌ی سیزدهم جریان دارد که شامل ساخت ۱۱۳ کوچه، سرک و آبرو می‌شود. وی تصریح کرد که کار ساخت این پروژه‌ها حدود ۷۰ درصد پیش‌رفت داشته و تا اوایل زمستان تکمیل و به بهره‌برداری سپرده خواهد شد. او به عنوان نمونه به سرک «پل خشک الی قلعه قاضی» اشاره کرد و گفت که این پروژه از مهم‌ترین این‌ها است که شهرک مهدیه را با پل خشک وصل و مشکلات هزاران خانواده را حل می‌کند.

هم‌چنان مسوول مطبوعاتی شهرداری کابل گفت که ۹۰ درصد ناحیه‌ی سیزدهم بی‌رویه و غیرپلانی است و این اداره پلان دارد تا ساحات غیرپلانی را به پلانی تبدیل کند. با این‌همه نعمت‌الله بارکزی خاطرنشان کرد که شهرداری کابل نظر به اصل انکشاف متوازن ناحیه‌ها و امکانات خود، برای به‌سازی ناحیه‌ی سیزدهم برنامه‌های دیگر نیز روی دست دارد. او هرچند در این مورد جزئیات دیگر بیش‌تر نداد، اما بیان داشت که این اداره طرح‌هایی را روی دست دارد که براساس آن در سال آینده این طرح تطبیق و عملی خواهد شد.



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
اداره مستقل ارگانهای محلی
معینیت شاروالی‌ها
برنامه اشتغالزایی
آمریت اداری

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
د سیمه ییزو اورگانونو خپلواکه اداره
د شاروالیو معینیت
د کارموندنی پروگرام
د اداری امریت



Islamic Republic of Afghanistan
Independent Directorate of Local Governance
Deputy Ministry for Municipalities
Eshteghal Zaiee – Karmondena Project (EZ-KAR)

اعلان دعوت به داوطلبی

عنوان: پروژه: خریداری تجهیزات برقی و نلدوانی

شماره داوطلبی: IDLG/DMM/EZ-KAR/IOC/NCB-9-2020

برنامه اشتغالزایی ریاست مستقل ارگان های محلی معینیت شاروالی ها از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت بعمل می‌آورد، تا در پروژه داوطلبی خریداری تجهیزات برقی و نلدوانی، برنامه اشتغالزایی اشتراک نموده و کاپی شرطنامه مربوط را به طور سافت از برنامه اشتغالزایی ریاست مستقل ارگان های محلی و یا از طریق ایمیل آدرس ذیل و هم چنان از سایت تدارکات ملی، اکبر به دست آورده، آفر های خویش را طور سر بسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر مورخ ۱۰ عقرب ۱۳۹۹ ارائه نماید.

تضمین آفر به شکل تضمین بانکی مبلغ ۵۰,۰۰۰ پنجاه هزار افغانی و جلسه آفر گشایی به ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر ۱۰ عقرب ۱۳۹۹ در سالون کنفرانس برنامه ملی میثاق شهروندی/ و اشتغالزایی ریاست مستقل ارگان های محلی معینیت شاروالی ها تدویر میگردد.

نوت (۱): پول نقد به عنوان تضمین آفر پذیرفته نمی‌شود.

ایمیل آدرس: a.nooragha@ccnpp.org, t.safi@ccnpp.org

procurement.idlg@ccnpp.org

شماره تلیفون: ۰۲۰۲۲۱۴۰۱۲



د کهرنی، اوبولگولواومالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالسداری

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock

پروژه رشد، زراعت و انکشاف روستایی (CBARD)

اعلان قرار بود به روز پنج‌شنبه اعلان شود ولی از این‌که روزنامه ۸ صبح به روزهای پنج‌شنبه نشر ندارد شنبه اعلان شد.

ضمیمه شمار (۱): تعدیل بل احجام و دیزاین پروژه پروژه اعمار ۱ پلچک و ۲۱۰ مترکانال قریه آبگرمک، اعمار ۳۲ متر دیوار محافظوی قریه توتک و اعمار ۱۸۰ متر کانال در قریه پیتو ولسوالی غورماچ ولایت بادغیس

شماره داوطلبی: MAIL/UNDP/CBARD-W/NCB-CW-2020-4

پروژه رشد، زراعت و انکشاف روستایی وزارت زراعت، آبیاری و مالسداری به اطلاع تمام داوطلبان علاقمند به اشتراک در پروژه داوطلبی پروژه اعمار ۱ پلچک و ۲۱۰ مترکانال قریه آبگرمک، اعمار ۳۲ متر دیوار محافظوی قریه توتک و اعمار ۱۸۰ متر کانال در قریه پیتو ولسوالی غورماچ ولایت بادغیس میرساند، اینکه بل احجام و دیزاین پروژه متذکره تعدیل گردیده، بنأ داوطلبان محترم میتوانند نقل تعدیل بل احجام و دیزاین (ضمیمه شماره یک) پروژه مربوطه را طور رایگان در حافظه یا فلش دسک از بخش تهیه و تدارکات پروژه رشد، زراعت و انکشاف روستایی وزارت زراعت آبیاری و مالسداری ویا وب سایت اداره تدارکات ملی (https://www.npa.gov.af) به دست آورند.

نوت ۱: قابل یاد آوری است اینکه زمان جلسه آفرگشایی پروژه نامبرد از تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۲۰، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر تعدیل شده و آفر گشایی آن به تاریخ ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۰، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در سالون جلسات پروژه رشد، زراعت و انکشاف روستایی واقع تعمیر آمو، منزل دوم، وزارت زراعت، آبیاری و مالسداری، جمال مینه، کارته سخی تدویر میگردد.

نوت ۲: در ضم از تمام داوطلبان محترم که قبلا تضمین آفر خویش را تهیه نموده و ایجاب تمدید را مینمایند، تقاضا میگردد که معیاد تضمین آفر خویش را تمدید نموده و حد اقل از تاریخ ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۰ برای مدت ۱۱۸ روز مدار اعتبار باشد.



عزیزی بانک محصول ویژه ی را برای انجوها با طیف وسیع امتیازات طراحی نموده است. هدف طراحی حساب جاری انجوها داشتن سیستم جداگانه برای معاملات انجوها. خدمات عالی و ممتاز و همچنان مدیر ارتباطی برای مدیریت بهتر ارتباطات با این سکتور عمده میباشد. حساب منگور به چهار نوع اسعار: افغانی/دلار/یورو/پوند انگلیسی افتتاح میشود. برای معلومات بیشتر به شماره 1515/0093791801515 به تماس شوید و یا هم به نزدیکترین نمایندگی عزیزی بانک مراجعه کنید



www.azizibank.af 1515

زنان معتاد در بستر ترک اعتیاد؛

آماده‌ایم زنده‌گی را از نو مشق کنیم

می‌گوید که اکنون او صحت‌یاب شده و روزهای پایانی ترک اعتیادش را سپری می‌کند.

وقتی تصمیم به ترک شفاخانه گرفته بودم، در منزل دوم شفاخانه سروصدای کودکان توجهم را جلب می‌کند. در منزل دوم جمعی از کودکان که دور دسترخوانی جمع شده‌اند، مصروف غذا خوردن هستند. این کودکان در سنین مختلف قرار دارند. براساس گفته‌های مسولان کمپ، این کودکان از یک تا ده سال سن دارند که بیش‌تر آن‌ها دختران خردسال هستند. آن‌ها تا زمانی که مادران‌شان تحت تدوای هستند، توسط کارمندان این کمپ نگهداری و مراقبت می‌شوند.

با این‌همه شایسته حکیم، ریس شفاخانه صد بستر معتادان برای زنان، می‌گوید که در این شفاخانه ۱۰۰ زن و کودک به صورت رایگان تدوای می‌شوند. او می‌گوید که معتادان توسط تیم ساحتهای این شفاخانه جمع‌آوری می‌شوند و سپس برای ۴۵ روز در دو مرحله تحت تدوای قرار می‌گیرند. او گفت: «بعد از این‌که مریض آورده می‌شود، به او لباس مخصوص داده می‌شود. بعداً وارد بخش «ریه‌باب» و «دیتاکس» می‌شود که در بخش دیتاکس، مریض ۱۵ روز می‌ماند و در بخش ریه‌باب ۳۰ روز».

خانم حکیم تصریح می‌کند که در ۱۵ روز اول مریض از نظر جسمانی و روانی تحت تدوای قرار می‌گیرد و در ۳۰ روز دیگر برایش حرفه آموزش داده می‌شود. به گفته‌ی او، در این مدت به زنان حرفه‌های آرایش‌گری و خیاطی آموزش داده می‌شود تا پس از برگشت به زنده‌گی عادی از آن طریق مایحتاج زنده‌گی‌شان را تأمین کنند.

به گفته‌ی خانم حکیم، بعد از ۴۵ روز تدوای مریض از شفاخانه مرخص می‌شود و دوباره به مدت یک سال این مریضان توسط داکتران در بیرون از شفاخانه تحت تعقیب قرار می‌گیرند تا اگر مشکل دیگری برای‌شان پیش آمد، رفع شود.

از سویی هم رییس این شفاخانه می‌گوید که بیشتر از هفتاد درصد این خانم‌ها با تشویق همسران‌شان به مواد مخدر آغشته شده‌اند. با این‌همه، فقر و بی‌کاری از جمله عوامل دیگر از یاد اعتیاد در کشور به شمار می‌رود.



برخوردش پیدا است که دوست ندارد با کسی صحبت کند. بالاخره با تلاش زیاد، خودش را نجیبه معرفی می‌کند. او که سن و سالش را نمی‌داند، می‌گوید که صاحب چهار فرزند است. نجیبه حدود سه سال پیش به این مواد کشنده رو آورده است. او که بعد از سه سال تصمیم به ترک اعتیاد گرفته است، می‌گوید روزی مریض می‌شود و شوهرش برای درمان دردش، به او تریاک می‌دهد. تریاک در اکثر مناطق کشور به عنوان مسکن استفاده می‌شود. اکثر خانواده‌ها برای تسکین دادن درد، از این مواد استفاده می‌کنند. حتا در برخی مناطق به اطفال نیز تریاک می‌دهند تا راحت بخوابند. این تنها مشکل نجیبه نبوده است. از آن جایی که او و شوهرش در خانه مواد مخدر استفاده می‌کرده‌اند، فرزندان‌شان نیز به طور غیرمستقیم به مواد مخدر معتاد شده‌اند. به گفته‌ی نجیبه، زمانی که دخترش را برای شیردادن در بغل می‌گرفته، مواد مخدر نیز استفاده می‌کرده است. دودی که از دهن او بیرون می‌شده، دخترش آن را تنفس می‌کرده و این سبب شده تا او نیز آغشته به مواد مخدر است. او می‌گوید، هر زمانی که مواد مخدر استفاده نمی‌کرده، دخترش بی‌تابی و گریه می‌کرده است. او برای این‌که گریه‌ی دخترش را آرام کند، مواد مخدر استفاده می‌کرده و دخترش با تنفس از دود آن آرام می‌گرفته است. او دخترش را آمنة می‌خواند و

از دواج کرده و مدت هشت سال را با شوهرش به خوشی سپری کرده است. او اما در سن بیست‌و یک‌ساله‌گی، پس از فوت یگانه پسرش، روزهای پر درد و رنجی را سپری کرده است. شوهرش برای این‌که از درد او بکاهد، مواد مخدر را پیش‌کش می‌کند و این‌طوری شبانه زنده‌گی را می‌بازد و معتاد به مواد مخدر می‌شود.

او که اکنون دو فرزند (یک پسر و یک دختر) دارد، از خانه‌ی پدر شوهر و خانواده‌ی پدر خودش رانده می‌شود، از این رو مدت زیادی با شوهرش مواد مخدر استفاده می‌کند. سرانجام مادرش که درد او را در استخوانش حس می‌کند، شبانه را برای ترک اعتیاد به شفاخانه‌ی صد بستر معتادان برای زنان می‌برد. اما در اولین گام وی موفق نمی‌شود که مواد مخدر را ترک کند. از این رو مادرش برای بار دوم او را در این کمپ بستری می‌کند. اکنون او می‌گوید که آماده است تا دوباره پا به زنده‌گی جدید و عاری از مواد مخدر بگذارد. شبانه که در این کمپ حرفه‌ی آرایش‌گری آموخته است، در نظر دارد تا پس از ترک اعتیاد، دکان آرایش‌گری باز و زنده‌گی‌اش را از نو آغاز کند.

در گوشه‌ی دیگر اتاق، خانمی با بدن ضعیف و رنگ و رخ پریده نشسته و دختر کوچکی در آغوشش آرمیده است. تلاش می‌کنم تا رشته‌ی کلام را با او باز کنم، اما از طرز

حوالی ساعت ۱۰ بامداد، با برنامه‌ی از قبل پلان شده وارد کمپ ترک معتادان ویژه‌ی بانوان می‌شوم. مسولان با مهربانی مرا به داخل اتاقی رهنمایی می‌کنند که در آن‌جا زنان معتاد به مواد مخدر بستری‌اند و قرار است زنده‌گی جدید را رقم بزنند.



زهرا عطاپایی

با سلامی وارد اتاق آن‌ها می‌شوم و آن‌ها نیز با لحن ملیحی جواب سلام را لیبیک می‌گویند و برایم جای باز می‌کنند تا بنشینم. به محیط خاموش اتاق نظر می‌اندازم و می‌بینم. خانم‌های جوانی که روزهای پایانی ترک اعتیادشان به مواد مخدر را می‌گذرانند، در چهار گوشه‌ی اتاق با خود درگیر اند. سر صحبت را باز می‌کنم. تعدادی به حرف‌هایم توجه نمی‌کنند و شماری نیز با نگاه مملو از مهربانی مرا می‌پایند. این زنان وضعیت متفاوت دارند. شماری که به تازه‌گی به این کمپ پیوسته‌اند، حالت‌شان ناجور است و رمقی برای صحبت ندارند. شماری دیگر که آخرین روزهای ترک اعتیادشان را سپری می‌کنند، امید در پیشانی‌شان موج می‌زند. آن‌ها آماده‌اند تا زنده‌گی را از نو مشق کنند.

سرانجام شماری از زنان با صمیمیت وضعیت‌شان را شرح می‌دهند و می‌گویند که چه‌گونه به این مواد کشنده مبتلا شده‌اند. این زنان که در «کمپ صد بستر معتادان برای زنان» بستری‌اند، مواد مخدر مختلفی چون هیرویین، تریاک، تابلت کاف، پودر و شیشه استفاده کرده‌اند، اما بیش‌تر زنان که در این کمپ بستری‌اند، معتاد به تریاک و یا هم شیشه‌اند.

شبانه ۲۲ سال دارد و معتاد به مواد مخدر است. او که آخرین روزهای ترک اعتیادش را سپری می‌کند، می‌گوید که صاحب دو کودک است و دو سال پیش با ترغیب شوهرش رو به مواد مخدر آورده است. شبانه زنده‌گی پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و بار دوم است که در این کمپ بستری شده است. او می‌گوید که در سن ۱۳ ساله‌گی

عادلہ زمانی

هم‌دیگرپذیری و صلح درون‌ملتی

گم‌شده‌ی جامعه افغانستان

بر جامعه‌ی امروز افغانستان چنان که سخت در حال پی‌گیری خبرهای سیاسی و پروگرام‌های سیاست‌زده‌ی رسانه‌ها است، لازم و ضروری است تا به خود بیاید و در مسیر آشتی ملی و بخشش و گذشت عمومی قرار بگیرد. ما باور داریم که در حال جنگ با دشمنی خارجی هستیم حال آن‌که در درون جامعه و اجتماع خود سخت به دریدن حرمت‌ها و باورهای یک‌دیگر مشغول می‌باشیم.

از پذیرفتن چند نظر مخالف ابا داریم و هر سخنی بر خلاف سخن خود را بر نمی‌تابیم. با آن‌که می‌دانیم حتا پنج پنجه‌ی یک‌دست هم یکسان نیست، پس چطور تمام یک کشور باید هم‌نظر و هم‌باور باشند.

جامعه امروز افغانستان قبل از رسیدن صلح و ادغام گروه سیاسی جدیدی به صحنه‌ی سیاستش شدیداً محتاج رسیدن به یک گذشت و بخشش عمومی از طرف تک‌تک افراد اجتماع است.

جامعه امروز افغانستان پیش از پذیرش دیگران، باید خودش را بپذیرد.

چنان‌چه غیر از آن باشد، حتا صلح هم نخواهد توانست زمینه‌ی رسیدن به آینده‌ی مرفه و روشن را فراهم بیاورد.

بر هر عضو جامعه افزودن بر تحمل اجتماعی و رسیدن به یک بخشش عمومی ضروری و لازم است. هم‌چنان که مولانای بلخی شاعر پر آوازه‌ی شورمان می‌فرماید:

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید
تو یکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز.

نفری، امروز با هم‌دیگرپذیری پیش می‌رود و به روی اقتصاد کار می‌کند، چیزی که تمام سرزمین‌ها به آن نیاز دارند.

این‌طور به نظر می‌رسد مردم در افغانستان دچار یک بغض کهنه‌ی ملی شده‌اند. همه به دنبال گناه‌کار می‌گردند و این گناه‌کار می‌تواند هر کسی باشد که ذره‌ای نظرش مخالف نظر آن‌ها است.

حالا یا این مخالف هم‌تبار و هم‌زبان ایشان است و یا هم مزید بر علت است و کسی است از قومیت دیگر؛ این همه بی‌توجهی به آن صورت می‌گیرد که اگر یک کشتی غرق شود تمام سرنشینان آن کشتی از بین خواهند رفت و طوفان هرگز از اهالی یک شهر قوم و تبارشان را سوال نمی‌کند.

این روزها بیش از هر زمان دیگری آوازه‌ی صلح به گوش می‌رسد. مردم افغانستان به شکل عام به صلح فکر می‌کنند. البته تصور صلح رویایی ۴۰ ساله در هر خانه‌ی این کشور ست. اما واقعیت آن است که در این روزهای حساس، بیش از هر زمان دیگری ما به صلح و به رنگ آرامش‌بخش آن می‌اندیشیم.

صلح هدیه‌ی بیرونی نخواهد بود. به یاد ندارم که در کتب تاریخی در مورد هیچ ملتی خوانده باشم که صلح و ثبات و آرامش به آن‌ها ودیعه داده شده باشد. در واقع هر مردمی که امروز در صلح زنده‌گی می‌کنند آن را با دستن خودشان کمایی کرده‌اند.

جهان، مجموعه‌ی متنوعی از انسان‌هایی است که از بسترهای رنگارنگ نژادی، باوری، مذهبی و اجتماعی به هم پیوسته‌اند.

لازمه‌ی زنده‌گی مسالمت‌آمیز این‌انبوه از آدم‌ها در کنار یک‌دیگر پذیرفتن تفاوت‌های فردی و تنوع نظریات آن‌ها است. موضوعی که به طور گسترده در قرن بیست‌ویکم در سرزمین‌های مختلف حل شده است و امروزه ما کم‌تر شاهد جنگ‌های بین قومی و ملیتی در جهانیم.

اما چه شده است که فضای مجازی افغانستان به بستری جدید برای حملات مردم یک کشور به علیه هم بدل شده است؟

چرا یک ملت باید از هر موضوع خرد و کلان برای تحقیر هم‌وطنان‌شان استفاده کند؟

می‌گویند مهمات گاندی رهبر افسانه‌ای و فقید هند رسالت رهبریت خود را با پیام عشق به خدمت مردم و برابری همه‌گان بیان کرد. برخلاف رهبران مطرح دیگر دنیا چون ناپلئون بناپارت که می‌گفت حق از دهنه‌ی توپ بیرون می‌آید گاندی معتقد بود ایمان از پذیرفتن آدم‌ها سرچشمه می‌گیرد.

در روزگاری که جنگ‌های خونین بین مسلمانان و هندوهای هندوستان برقرار بود گاندی به خاطر کشته شدن چند مسلمان به دست هندوها روزه گرفت و پیام اندوه خود را این چنین به جهان رساند. این‌طور است که هندوستان یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون

کافی است اگر کاربر رسانه‌های اجتماعی هم‌چون فیس‌بوک و اینستاگرام در جامعه افغانستان باشید تا با پدیده‌ی نه‌چندان جدید، اما بسیار پررنگ این روزهای فضای مجازی افغانستان آشنا شده باشید. پدیده‌ی دعوا، جدال و توهین‌های مجازی بین شهروندان، جاری است؛ به شکلی که تقریباً هیچ پستی در فضای مجازی نشر نمی‌شود مگر این‌که در کامنت‌هایش چند نفر از افغان‌های داخل و خارج، حین دعوا نباشند و گپ‌شان به دشنام کشیده نشود.

دعواها دسته‌بندی‌های مختلف دارد و چنین به نظر می‌رسد که هر روز به طبقه‌بندی‌های این کتگوری اضافه می‌شود اما برجسته‌ترین دسته‌بندی‌ها نزاع‌ها قومی، زبانی، حزبی و جنسیتی است.

گمان می‌شود ما مردمی هستیم که تقریباً در هر زمینه با هم نزاع داریم و راه رسیدن به یک‌دیگرپذیری را سال‌ها است گم کرده‌ایم.

استفاده‌کننده‌گان مدام از فضای مجازی افغانستان به خوبی به این موضوع اشرف پیدا کرده‌اند که تقریباً هر روز موضوع جدیدی برای بحث و جدال بین کاربران به وجود می‌آید. این موضوع همیشه الزاماً یک خبر ناراحت‌کننده نیست. کاربران ثابت کرده‌اند که توان این را دارند تا در ذیل عنوان یک خبر مستربخش ملی مثل پیروزی یک تیم ورزشی ملی بر تیمی خارجی؛ هم موضوعی برای نزاع بیابند و به یک‌دیگر سخت بتازند.

می‌پذیریم که افغانستان از تنوع قومی بالایی برخوردار ست در اقلیم این کشور سال‌های زیادی است که مردم از تبارها و قومیت‌های مختلف در کنار هم زیسته‌اند. اما کشورهای دیگر هم از چنین تنوع قومی بی‌بهره نیستند و امروزه به ندرت می‌توان کشوری یافت که از بافت کاملاً یک‌دست قومی یا مذهبی برخوردار باشد.